

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# ☆ برقراری آتش بس و شکست نقشه های مداخله جویانه و جنگ افروزان رژیم ارتجاعی خمینی و رژیم جنایتکار صدام را به همه مردم ایران شادباش می گوئیم

## ☆ روز آتش بس را جشن می گیریم ، پیکار در راه صلح پایدار را ادامه می دهیم

شدن این گام بزرگ در راه صلح ، عمیقاً خود را سپاسم و شریک می دانند . جنگ توسط صدام به کشور ما تحمیل شد و خمینی آن را ادامه داد . مسئول ادا مه جنگ و فاجعه ناشی از آن ، سران رژیم و بویژه شخص خمینی است . اکنون شبح شوم جنگ از آسمان غمناک کشور ایران و عراق دور می شود اما تا رسیدن به صلح پایدار راه درازی در پیش است . راهی که هموار نیست و بسا دشواری ها روبروست . اکنون که آتش بس برقرار شده است ، همه ما باید به مبارزه پیگیر در راه با زکشت نا پذیر کردن آتش بس و تامین و تضمین صلح پایدار بین دو کشور فداکارانه ادامه دهیم . نباید اجازه داد که صدام و خمینی در راه اجرای نام و تمام قطعات ۵۹۸ ممت تر آتش بس کنند ، اجرای بی خدش قطعات ۵۹۸ ممت تر آتش بس در عراق و همه محافل صلح دوست جهان است . برای تحقق این هدف

هم میهنان ! سرانجام در نخستین ساعات با صدام امروز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش جنگ خانما شوز هشت ساله خاموش شد . آتش بس در جبهه ها رسماً برقرار گردید . برقراری آتش بس بر شما مبارک باد ! این پیروزی بزرگی برای مردم دو کشور ایران و عراق و همه بشریت صلح دوست است که عزم و رزم صلح جویانه خود را پشتوانه تلاش های مسئولان دبیرکل سازمان ملل متحد قرار دادند و طبیعتاً صلح را علیرغم نیت جنایتکارانه خمینی و صدام در افق دو کشور ایران و عراق بدیدار ساختند . کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، برشورترین احساسات خود را به مناسبت این رویداد دخیستد با ارضی دارد . فداکاریان در این سرور بزرگ که در پی هشت سال رنج و درد دیده اند ، در این خوشحالی خلق به خاطر برداشته

### آتش بس پس از ۸ سال جنگ تبهارانه

پس از ۹۵ ماه کشتار و رویرانی بیامان و پس از شکست مطلق نقشه های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه رژیم ارتجاعی ایران و عراق ، سرانجام صلح میانگیری و نظارت سازمان ملل متحد ، از روز ۲۹ مرداد ماه ۶۷ آتش بس رسمی در جبهه ها برقرار شد . از این تاریخ واحدهای نظامی اعزامی از سوی سازمان ملل متحد در مرزهای دو کشور ، نظارت بر اجرای آتش بس را بر عهده گرفته اند و متعاقباً آن می بایست مذاکرات دور زیم تبهارا ممتخامم برای انعقاد بیعنامه صلح زیر نظر سازمان ملل متحد جریان یابد . این احتمال قوی است که خونخواهران حاکم بر دو کشور اکنون پشت میز مذاکره تلاش کنند تا از زیر بار رحل عادلانه مسایل مطروحه سر باز زنند و زمینهای و جنگ و خون ریزی را برای سالها و نسلهای آتی به ارث بگذارند . همه احزاب مترقی و مردم شریف دو کشور ایران و عراق مسئولیت تاریخی دارند تا با هوشیاری تمام دور زیم ارتجاعی را برای انعقاد بیعنامه عادلانه ای که صلح پایدار میان دو کشور را تامین کند ، زیر فشار بگذارند . مردم کشور ما در این شرایط حساس با یادگیری با عدل شروع و تداوم جنگ و تنگنای دور زیم خمینی را در پیش رو داشته و باید در نظر آورند و بیک آن فرصت ندهند که ارتجاع آخوندی این بار با واسطه آتش بس آنها را فریب دهد و نتایج برچهره اهریمنی خود بکشد .

رژیم خمینی مسئول اصلی ادا مه جنگ

جنگ خونخوا را نه هشت ساله ، هما گونه که ما با رها گشته ایم قبل از همه به دلیل توسعه طلبی ها و ما جرا جوی های رژیم عراق و جبا حمله ای رژیم به درون خاک ایران آغاز شد . چنین اقدامی از سوی رژیم عراق بدون اطمینان از حمایت امپریالیسم آمریکا دشوار بود . نقشه امپریالیسم آمریکا برای احیاء مواج قبلی خود در منطقه و تلاش های آن برای نابود کردن دستاوردهای مردمی انقلاب بهمین با نقشه های رژیم عراق همخوانی داشت . از این رو برای امپریالیست های آمریکا راهی مناسب تر از آن متصور نبود که از ما جرا جوی نظامی رژیم صدام و آغاز جنگ حمایت کنند و وابستگان ارتجاعی خود در منطقه را نیز به حمایت از این نقشه دعوت نمایند . ما همه این نقشه ها را با رها رها افشا کردیم و چه قبل از جنگ و چه پس از شروع جنگ ، نسبت به فاجعه ای که مردم کشور ما را تهدید می کند هشدار داده ایم ، اما شنیدن هشدارهای ما و تلاش برای خنثی کردن نقشه های ارتجاع عراق و امپریالیسم آمریکا از عهده رژیم ارتجاعی خمینی که خود نقشه های آشکار توسعه طلبانه و تجاوزکارانه داشت ، ناممکن بود . خمینی رسماً و علناً زیر علم "صورت انقلاب" قصد خود را برای بسط رژیم ارتجاعی بقیه در صفحه ۲

### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- \* هرگونه تعقیب و پیگرد مخالفان و تحریم کنندگان جنگ ، مشمولین فراری ، درجه داران ، سربازان و سپاهیان تحت پیگرد باید فوراً متوقف گردد .
- \* علیه اعدا م های جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی به پا خیزیم .
- \* انتقام جوی از مجاهدین خلق ایران را با خشم و نفرت محکوم می کنیم .

### ناوهای آمریکایی باید از خلیج فارس خارج شوند

بیش از دو هفته است که آتش جنگ خانما نسوز ایران و عراق خاموش شده است . با شروع آتش بس ، جنگ نفت کشها و حمله به کشتی ها در خلیج فارس نیز پایان یافت و آزادی کشتیرانی بیباکانه در این آبراه معلول رسماً تامین گردید . اکنون دیگر کوچکترین بیخودانه ای نیز برای حضور ناوگان های جنگی امپریالیسم آمریکا و متحدین نا تویسی آن در مرزهای جنوبی کشور ما وجود ندارد . این ناوگان سال گذشته و در اوج جنگ نفت کشها ، ظاهراً به دلیل نا مین امنیت کشتیرانی به خلیج فارس گسیل شدند . اعزام این ناوگان ها اعتراض مردم ایران و جهان را برانگیخت و مبارزه گسترده ای علیه این اقدام تجاوزکارانه امپریالیستی به راه افتاد . امپریالیسم آمریکا به این اعترافات واقعی تنها دو بر زمین داده است . جنگ روز به روز بر حضور نظامی خود در خلیج فارس افزود . هما نگونه که پیش بینی می شد ، ناوگانهای آمریکا نه تنها نتوانستند امنیت کشتیرانی را تامین کنند ، بلکه بروخامت و تشنج اوضاع افزودند و چندین بار خلیج فارس را تا آستانه جنگ تمام عیار پیش بردند . آخرین نمونه تشنج فزایشی و فاجعه آفرینی آنها ، سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران و قتل بیش از ۲۹۰ سرنشین بیگناه آن در خیر ماه سال جاری بود . اما آن گونه که پیداست متجاوزین آمریکا علیرغم برقراری آتش بس خیال ندارند و در نا وهای جنگی خود را از خلیج فارس بیرون ببرند . دوم مرداد ماه یعنی چند روز پس از اینکه جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت ، فرانک کارلویچ ، وزیر دفاع آمریکا اعلام داشت که ناوهای آمریکا یکی اکنون ۴۰ سال است در خلیج فارس حضور دارند و حتی در صورت قطع جنگ نیز این منطقه را ترک نخواهند کرد . وی افزود محبت فقط می تواند بر سر کاهش تعداد ناوها باشد . به دنبال او ریچارد مورفی ، معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز تاکید کرد که این کشور قصد ندارد سیاست خود در خلیج فارس را تغییر دهد و در صورت آتش بس نیز نظارت دقیق بر نیروهای

### اعدام رفیق فرامرز صوفی

#### بدست دژخیمان خمینی

سری دیگر از سرداران بردار شد و سرور سروستان میهن برخاک ... در پگاه اویسن ، واپسین شعله زلال چشمی پرفروغ به توطئه پیوست . نگاه خورشید در چشمه سا زمانند . شعله در شعله ، چشم در چشم . یگانگی در نور ... بی گلوله هم جاودانه بود پیوند شعله ها . و گلوله نه بر جان شیفته که بر تلافی نور نشست ، تا جاودانه ترکند پیوند خورشید و چشم را ، تا نفیرش نسیم را خبر کند که نسیم نوربا فتنه را تار و پودش جان سوی "نسترن و با سمن" برد . تا گلها مانند پدرا در جان کوچک و در دل آلود خویش جاودان سازند . نسیم اینگونه گرد و نور ، آنگاه که سوی خانه گلها بر می کشید ، راه بر جنوب شهر کج کرد تا با کیش به ظلمت جماران نیل لایوهما نگونه زلال که از نگاه پدرا جو شیده بود ، بر دل پاک دختران نشیند .

رفیق فرامرز صوفی را به جرم "نه" گفتن تیرباران کردند . فرامرز جرمی نداشت ، حتی با بقیه در صفحه ۵

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲

# زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، مرگ بر خمینی

**آتش بس پس ...**  
ولایت فقیه به سایر کشورها یا اسلامی، بخصوصاً به کشورهای همجوار را اعلام کرده و بر آن اصرار داشته است. خمینی پس از دستیابی به حکومت، مدخلات خشن خود را در امور داخلی کشورها یا خاورمیانه نوزدیدگی شروع کرد و در این میان عراق و لبنان و افغانستان بیش از همه هدف توطئه های رژیم خمینی قسراسر گرفتند. رژیم خمینی در این کشورها به تدریج یک نیروهای ی بنیاد دگر و سرهم بندی دارودسته های حزب الهی مشغول شد و بخصوص به توطئه برای تضعیف نیروهای انقلابی و پیشرو در این کشورها پرداخت .

۱ مروز، در شرایطی که کبسی از ۹۵ ماه جنگ و شکست نقشه های خمینی آتش بس میان دو رژیم برقرار شده، اقدامات تجا و زکا را نه و ارتجاعی رژیم خمینی در افغانستان و لبنان و در میان نیروهای ترقیخواه عراق هنوز با شدت تمام ادامه میدارد. این توطئه ها هر یک آستان فاجعه های دیگری علیه مردم ما و کل ملل منطقه است.

اقدامات رژیم به منظور "دورا انقلاب" که آنها در آغاز انقلاب بهمین جریان داشت، همواره پس از آن برای لازم برای شله و ور کردن جنگ را در اختیار رژیم عراق گذاشته بود.

رژیم خمینی پس از شروع جنگ در موضع نفی هر گونه مذاکره و ادامه جنگ به هر قیمت قرار گرفتند. رژیم خمینی مسئول اصلی ادامه جنگ هشت ساله و مسئول اصلی این همه خونریزی و ویرانی است.

**جنايت ارتجاع عراق در تحمیل جنگ**

رژیم ارتجاعی عراق که در پی فرصتی بود تا قرارداد ۱۹۷۵ را از برپا بگذارد و برای بررسی مطم مع توسعه طلبانه خود اقدام کند، با پیوستن رژیم انقلاب بهمین بر رژیم شاه و گسترش وضعیت انقلابی در کشور شرایط را مناسب دید و پس از کسب اطمینان از حمایت دولت ریگان و برخی از مرتجعین منطقه، روز ۳۱ شهریور سال ۵۹ حمله نظامی به ایران را آغاز کرد. رژیم عراق با ادامه حمله و تصرف مواضع مردم ایران برای درهم شکستن تجا و زکا را چارمنه عیب نشینی شده بود، نه تنها حرفی از صلح نسبی زد بلکه شکار تصد خود را برای گسترش تجا و زبه بر سر خوزستان و بخش بزرگی از کردستان تبلیغ می کرد. امروز نیز رژیم عراق تنها به دلیل شکست نقشه هایش برای پذیرش آتش بس ادامه داده است. این رژیم اگر کما فی نظمی می گامی می داشت و حمایتش نیز از تجا میانی کردند، کوچکترین تردیدی در ادامه جنگ نمی کرد. بنا بر این عوام فریبی های رژیم عراق برای صلح طلب و نمود کردن خود نیز در عراق، بی پایه و مخرنفا نه است. مسئولیت اصلی رژیم خمینی در ادامه جنگ به هیچ وجه نمی تواند دستاویز رژیم عراق برای صلح طلب جلوه دادن خود نزد مردم عراق و جهان شود. همبگونه تلاش رژیم عراق برای پیروزشان دادن خود نیز مضحکه ای بیش نیست که تنها به حمايت از ارتجاع با مخ کردن مردم عراق و بسیج آتش و به حمايت از ارتجاع با حاکم علیه نیروها و سیاست انقلابی و مترقی آن کشور است. رژیم عراق نیز همچون رژیم خمینی بلافاصله آتش بس بر سر ای گسترش جنگ علیه نیروهای مترقی عراق به سر گرفته است. هم اکنون رژیم عراق با همه توطئه ها حتی با توسل به سلاح شیمیایی، مردم شریم و قهرمان را کرده هدف قرار داده و هزاران نفر را کشته و آوار کرده است. واقعیت چیست؟ واقعیت این است که ارتجاع عراق و ایران هم در روزگاره در جنگ بودند و هم امروز که می روند پیش می زده بشنیدند، یک هدف مشترک دارند که هدف اصلی در همه تلاش های آنان است. این هدف مشترک همانسان متفرق کردن سرکوب و نیروهای مترقی دو کشور است، و دور نیست آن روزی که شیا طین شیمران و بغداد، "برادران" برای سرکوب جنبش انقلابی در دو کشور، بخصوص در کردستان همگاری کنند.

**امپریالیسم آمریکا به برودا راملی جنگ**

از هر طرف کشته و ویران شود، به سود امپریالیسم آمریکا است. این جوهر سیاست دولت ریگان در آغاز وادامه جنگ بوده است.

دولت آمریکا که بر آن بود تا مواضع از دست رفته خود را بر ایران و عراق و کل منطقه احیا کند و حضور مستقیم نظامی خود را در ای ژاندارم گتک خورده منطقه یعنی رژیم شاه بنشاند، نقشه های رژیم عراق و ما ج را جوشی های رژیم خمینی را در خدمت نقشه های خود دید. برای هر کسی که با الفبا ی سیاست آشنا باشد، روشن است که نقشه تنها جم عراق، به تکمیل کویب و عربستان سعودی و فرانسه به عراق، بسد و ترقیب و حمايت دولت ریگان عملی نمی شود و دست کم این جنگ بدون دخالت آمریکا نتوانست این گونه به طول انجامد. جنگ در خدمت نقشه امپریالیسم ایران از زمین بردن دستا و رده های مردمی انقلاب ایران و درهم شکستن جنبش انقلابی مردم در دو کشور بود، جنگ، همان طور که ثابت شده و رژیم را پیش از پیش نیا زندا امپریالیسم و به آن نزدیک می کرد. جنگ، اسلحه های را نا بودمی کرد که می با یست از آمریکا و هم دستا آن خرید می شد.

جنگ شهرها را نا بودمی کرد که می با یست برای باز سازی آنها. دست تکم به سوی انحصارات امپریالیستی دراز کرد. جنگ دو کشور همسایه را به هم مشغول می گردانید تا شیل با خیال راحتت لبنا را با بلعه و مشتلاکی کند و فلسطینیان را در خون غرقه سازد. جنگ دستا ویزی بود تا نا وگا نیهای آمریکا از درخلیج مستقر شوند. جنگ، آزما نیگی برای آزمو دن انواع اعلاهی بیشتر بود تا مسل این سلاحها به صورت با زهم پیشرفته تر تکامل یابند. در یک کلام، جنگ، رحمت الهی برای دولت ریگان بود.

دولت ریگان اکنون چنین تبلیغ می کند که با مداخله نظامی او جنگ قطع شود و نیروهای آمریکا را نا جی صلح قلمداد می کند. اگر یک ذره ای واقعیت در این ادعا ها باشد با پذیرید چرا این "نا جی صلح" از همان آغاز برای قطع جنگ اقدام نکرد؟ چرا پس از نزدیک به هشت سال به فکر برقراری صلح افتاد؟ پاسخ برای مردم ایران و عراق روشن است. آمریکا پس از زمین به بخش اعظم خواست های خود، مرحله نهائی نقشه را که عبارت از استقرار نیروهای نظامی آن در منطقه خلیج فارس بود. نیز به اجرا گذاشت. آمریکا دیگر به تنه و ام چنگ نیا زنداشت، بلکه این بار احتیاج داشت زیر علم "دفاع از امنیت گسترانی" اقدام کند. چون تنها این دستا ویز چو جرا کذاشت، نظامی ریگان به خلیج بود. آمریکا دیگر توجیهی برای حمایت دوبرده از ارتجاع و جنگ نداشت، افکار عمومی در آمریکا و اروپا و تنها جهان، به خصوص در منطقه خاورمیانه نزدیک به شدت علیه ادامه جنگ بسیج شده بود و دولت ریگان را زیر فشار قرار داده بود. متحدین و دوستان امپریالیسم آمریکا در منطقه هیچکدام دیگر با ادامه جنگ موافق نبودند و جنگ را خطری برای بقا یست ها و منافع خود تشخیص می دادند. در رابطه با وضع داخلی ایران و عراق ادامه جنگ خطرات جدی را از ناحیه حاکم و مت مردمی متوجه منافع ارتجاع می کرد و بحران عظیم همه جا نبه دو کشور، سیاست گران و آشکنتر را به تدقیق سیاست های خود تا چارمی ساخت. از سوی دیگر سود انحصارات آمریکا بی غیر سیاسی را در بر ما یه گذاری هر چه سریعتر تحت با زسا ی ویرانی که می توان دید. تنها ارتجاعی برکنند، بنا به بد فراوش کرد. اینک با اعلام آتش بس، اسکر - عمران کنندگان "از سوی غرب سازیر شده و بدیهی است که قطع این لشکر هدم موضع آمریکا تا شبر خود را داشته است.

بدینگونه، مردم ما در میان ریگان را هم در تریع جنگ و هم در ادامه جنگ مقصر می شناسند و به جها نیان علیه دولتی که این همه جنايت را بر دو کشور برادر تحمیل کرده، اعلام جرم می کنند. مردم ایران هیچگاه تا این اندازه امپریالیسم درنده خورانشناخته بودند و با تمام نفرت خود اعلام می کنند که مساززه علیه امپریالیسم خصوصا امپریالیسم قدر آمریکا را تا آخر ادامه می دهند.

**خمینی و آتش بس**

هر کسی که بیانشیه طولانی خمینی به مناسبت سالگرد مرگ و آتش بس را شنیده باشد، به آسانی می تواند فهمد که اما این بیانشیه ای جفند چنانچه آن چه تلخ بوده است. مخصوصاً آنجا که اذعان می کند پذیرش آتش بس همچون سرکشیدن جام زهر برای آلوده، گاملا گویای حرف دل وی است. آری، پذیرش آتش بس برای خمینی واقعاً مشکل نشودن جام زهر بوده است. چرا جام زهر؟ چون در تمام اندیشه ها و احساسات بیمارگونه این شهسکار و اقا علی ازلدلسوزی برای مردم و میهن و جا نی برای ملی و آزادی و عدالت نیست. تا آنجا که به مردم ایران بر می گردد، این مردم همواره از جنگ نفرت داشتند، گدا مردمی زیر این آسمان پیدا می شوند که خواستار قتل عام فرزندان خود، نابودی شهرها و روستاها و کارخانجات خود و آواره شدن و فقر و فلاکت خویش باشند؟ مردم وقت در بربر بگلوله های ارتش شاه میهنه سپهر کردند و سلطنت را واژگون ساختند، همه از رویگان این بود که صلح و آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی برای اکثریت زمینکش تا مین شود. نه اینکه سیل خون جاری گردد و آوار ویرانی و گرانی و بیکاری و فساد همه جا نبه اجتماع بی برسان فروریزد. مردم خیلی زود فجا یح جنگ را با تمام موجود خود لمس کردند. مردم روزگرمی گذشت اعراض و نفرت خود را از جنگ بیشتر بروز می دادند و زمانه نسی سیا ی ترقی خواه به نایبندگی از مردم بنشاند در راه صلح را در مدخدا ستها یثان قرار دادند. اما رژیم برای جلوگیری از توسعه اعتراضات مردم و شکل گیری یک جنبش متحد همگانی به خاطر قطع جنگ همه دستگام سرکوب خود را به راه داشت. شبر و رو اختناق در طول جنگ به اوج خود رسید و هزاران نفر طی این سالیان اقدامات سر به نیست شدند. از سوی دیگر بیکاری و وترس از خراج و از دست دادن مسر در آ مدخو و زمینری که هر کسی با هزار رحمت در پی آن بود به عامل فشار رهولناکی علیه طرفداران صلح تبدیل شد. علاوه بر عوامل فوق، مردم همگامی را با زمانه صلح سیس ترقیبخواه در میان به خاطر

صلح، عامل دیگر در جلوگیری از تبدیل اعتراضات صلحخواهانه مردم به یک جنبش عظیم و سراسری شد. آن سازمانهای سیاسی که به هر دعوتی، بمجمعه دعوت های پیاپی سازمان ما برای همکاماری و اتحاد و برای صلح باخرددادند، با پدیده خود آیند. همه این عوامل باعث شد که مردم ما به رغم خواست باطنی ما در و بهر نفرت شان از جنگ، از اجابدیگ جنبه نبر و مندسراسری به خاطر صلح محروم شوند. رژیم تنها هنگامی آتش بس را قبول کرد که به گفته خود خمینی، مسئولین نظامی و فنی و سیاسی به احوالی کردند که ما شین جنگی او دیگری را گرفتار افتاده است و توان ایستادگی ندارد. اگر خمینی با زهم سرما یه و توان نظامی برای ادامه جنگ می داشت، قطعاً ترجیح میداد که به جای نوشیدن جام زهر آتش بس، جام زهر آدم کش را همچنان در کام مردم سرازیر کند. درک این مسائل برای مردم ما بسیار حیاتی است. چرا که خطر جنگ هنوز از زمین نرفت و ضرورت مبارزه برای صلح با پیدا ریبین ایران و عراق و تبدیل ایران به عامل صلح در منطقه تنها ادامه دارد، بلکه تا سالیان دراز، یک کما فی نظمی از خواست های اصلی خود آلوده بود. اعتراضات دم افزون مردم ما ادامه جنگ، قطع کمک به جبهه ها، امتناع از رفتن به جبهه ها، مقاومت نظامیان میهن پرست در برابر بیسیاستان و مردم جنگ و دیگر بی معنی بودن جنايتنا ریودن جنگ از سوی توده وسیعی از نیروهای جبهه ها، عامل قاطعی در صلح کردن ما شین جنگی رژیم بود. اما مردم ما نباید به این محتوای شکست از مبارزه بسنده می کردند و برای آینده نیز نباید بدان قانع با شند. مردم ما بدنبند خود را به صورت یک جنبش متحد و سراسری علیه جنگ رژیم بسط می دادند. برای تامین صلح با یستاد رو آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه، این وظیفه در چشم انداز آینده مبارزه مردم سرنوشت سازاست.

اکنون آینده مبارزه با ما است و با پیدا ز گذشته درس گرفت. مردم ایران و همه سازمانهای سیاسی ترقیخواه نباید به خود آلوده بوند و برای جبران عیب مانگیها تلاش کنند. مردم ایران با پیدا نند که بشرف متذکرات، تا مین صلح با پیدا و تبدیل صلح با بعامل صلح و تامین آزادی سیاسی و رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی همواره درگرمبارزه متحدانه و آگاهانه سراسری آنهاست. رژیم خمینی صلح با پیدا ربه ارفان نخواهد آورد. رژیم خمینی دشمن آزادی و عدالت و دشمن مردم است. مردم ما باید بر سر هدف های مشترک شان متحدانه به پای خیزند، سازمان های سیاسی علیه غم اختلافتشان با یستد تا یستگی خود را در متحد کردن مبارزه با صلح با پیدا ربه خاطر آزادی و آبادی و رفاه و عدالت بس اثبات نمایند. اگر مردم سازمان های سیاسی از این سالهای خویشا جنگ و ارتجاع ایمن درس را بگیرند، آنوقت ما می توانیم بگوئیم که پیروزی بزرگی به دست آوردیم و همه چیز به کام امپریالیسم و ارتجاع و به کام جفند جنگ و غیرت برگام نبوده است.

**دوستان مردم ما در سال های سیاه جنگ**

در سالهای سیاه جنگ، همه نگونه که دشمنان کشور ما خود را افتاکردند، دوستان ما نیز خود را بیش از پیش حرف می کردند. تمام کشورها ای که از همان آغاز از قطع حمایت کردند، مستقل از نوع رژیم این کشورها، به منافع مردم خودشان و مردم کشور ما و به شنج زدا نی و صلح جهانی خدمت کردند، به عنوان یک ملت متمدن و متعهد به موازی بین بین المللی و اخلاقی باید موضع آنها را راج گذاشت.

کشورهای سوسیالیستی، از آنجا که در آنجا جنگ و چین و زگه را گویا، از همان آغاز، مخالف جنگ و حامی برقراری هر چه سریعتر صلح و حل مسائل دو کشور از طریق مذاکره بوده اند، آنخا دشوری و چین در شوری امنیت و سوسیالیسم را سوسیالیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر ضرورت برقراری صلح پای فشردند. کشورهای سوسیالیستی گوشتند تا هر امکان سیاسی را که در اختیار دارند به خدمت برقراری صلح بین دو طرف قرار دهند. ما همه این اقدامات را راج می نهمیم. ما یک تجربه را نیز می فزائیم، به اعتقاد ما همه کشورها، خواهان قطع جنگ می با یست اقدام هما هنگ ترو قطنی خوی برای تحريم فروش تسلیحات تنها جمی به دور رژیم انجام می دادند. چنا نچه دور رژیم از دریافت اسلحه تنها جمی به هر شکل محرومی شدند، قطعاً ما شین جنگی آنها زودترین بیست می رسید.

علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، کشورهای دیگر با نظم های سیاسی گوناگون، مانند هند، نیکارا گوتنه، مکزیک، سوئد، فنلاند، ژرمنیا و به الجزایر و بسیاری دیگر از قطع فوری جنگ حمایت کردند. مردم ما هم این اقدامات را راج می نهمیم و به سود شنج زدا نی در صلح بین المللی می دانند.

متاسفانه علاوه بر دولت ریگان و هم دستان امپریالیست آن، برخی از رژیم های فدا امپریالیست به گونه ای دور از انظار موضع دفاع از جنبش گرفتند و در کشور جنگ خمینی بیم انداختند. در این

### اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- \* هرگونه تعقیب و پیگردمخالقان و تحریمکنندگان جنگ، مشمولین فراری، درجهداران، سربازان و سپاهیان تحت پیگرد باید فوراً متوقف گردد.
- \* علیه اعدای جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی به پاخلیزیم.
- \* انتقامجویی از مجاهدین خلق ایران را با خشم و نفرت محکوم می کنیم.

مردم قهرمان ایران! سرتاجا سه هفته پس از تسلیم رژیم جنایتکار خمینی به قطعنا مه ۵۹۸، رژیم کابری عراق نیز مجبور به تکلیف به ااراده مردم عراق و تمام بشریت صلح دوست گردید و اما دگی خود را برای بدبشرش آتش بس اعلام کرد. اما در شرایطی که زیر فشار مبارزان پیگیرانه شما، اعلام آتش بس و قطع جنگ میسر گردیده است، سران رژیم در کمال وقاحت و بی رحمی در گوما گرم شادمانی مردم به خاطر آتش بس، نقشه های انتقام جویانه و دمدنشانده جدیدی برای سرکوب نیروهای ترقی خواه و هرکس که با ادامه جنگ مخالفت کرده است را به اجسرا گذاشته اند. طی ماه های اخیر که شکست سیاست های جنگ طلبانه رژیم نمایان تر شد، دستگیری، شکنجه و اعدام گروهی مبارزان و مخالفین جنگ و استبداد شد تا زهای یافت.

مردم وطنان، مردم شریف ایران! رژیم خمینی قتل عام فرزندان زندانی شما را شروع کرده است، رژیم خمینی هنوز سبیل خون جبهه ها قطع نشده، قتل عام فرزندان انقلابی و مبارزان را شروع کرده است. موسوی اردبیلی، مسئول شورای قضائی رژیم جعل و جنایت، علمنا و رسما دستور اعدای بدون محاکمه و دستگیری زندانیان سیاسی را صادر کرده است. رژیم همچنین به بیانه درگیری های نظامی با مجاهدین در غرب کشور، موقعیت را برای اجرای نقشه پلید خود جهت انتقامجویی از آنان و دیگر فرزندان مبارز شما مناسب دیده و نقشه تبهنگارانه جدیدی را به اجسرا گذاشته است.

ما هشدار داد ده بدیدیم و با زتکار می کنیم که رژیم خمینی قتل عام فرزندان زندانی شما را شروع کرده است، رژیم خمینی هنوز سبیل خون جبهه ها قطع نشده، قتل عام فرزندان انقلابی و مبارزان را شروع کرده است. موسوی اردبیلی، مسئول شورای قضائی رژیم جعل و جنایت، علمنا و رسما دستور اعدای بدون محاکمه و دستگیری زندانیان سیاسی را صادر کرده است. رژیم همچنین به بیانه درگیری های نظامی با مجاهدین در غرب کشور، موقعیت را برای اجرای نقشه پلید خود جهت انتقامجویی از آنان و دیگر فرزندان مبارز شما مناسب دیده و نقشه تبهنگارانه جدیدی را به اجسرا گذاشته است.

همه نیروهای مترقی گرد هفد های مشترکان، این امیدواران خسته و بیخون نشسته میهن بدیم کانون امید و اعتمادی برای مردم بیا کنیم.

#### برقراری آتش بس و ... بقیه از صفحه اول

مبارزان صلح جویانه خود را با بدگسترش دهیم. هم میهنان! جشن آتش بس باید به روزی یکوی صلح با ایدار برود، تضمین صلح و دستیابی به آزادی در گروی سرنگونی رژیم تبهنگار ولایت فقیه است. جنایت های تا بخشودنی رژیم در ادا مه دادن به این جنگ همتا سوزگه کشور و ایران کرد و مردم را به مصیبت و فلاکت مبتلا کرد، با ایدار سرنگونی آن کیفر داده شود. با ایدار هرگونه توجیه و بیانه تخرابی سران حکومت در ادا مه غیر مسئولانه جنگ و اجتناب یک ساله از پذیرش قطعنا مه ۵۹۸ شورای امنیت را وسیع افشا نمود و آن جریده ای ساخت علیه جنایتکاران جنگی حاکم که در نهایت بی مسئولیتی و قساوت جان صد ها هزار جوانان ما را با زبانه میال شوم و پلید ویرنا مه های ما جرایبانه وی فرجام خود قرار دادند.

هم میهنان صلح دوست، نیروهای مبارز راه صلح! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در این لحظات سرور و شادی عمومی و در این لحظات حاس و خطیر، با ایدار تضمین اعلام گرم ترین تهنیت های خود به مناسبت برقراری آتش بس از شما دعوت می کند که در راه اجرای کامل قطعنا مه ۵۹۸ مخوف رژیم خود را فرشته ساخته و یکجا رجه و متحد، رژیم شکست خورده و بی آینده خمینی را گام به گام عقب بکشیم. بیا شیم تا من اتحاد در صفوف مبارزان و روشنگران و بسیجگران راه صلح ققیه را گسترش دهیم و طلیعه پیروزی خلق را در افق میهن بیدار سازیم.

زنده باد صلح  
پیروز باد مبارز خصلق  
دورا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۹ مرداد ۱۳۶۷

رژیم به خاطر ترس از آینده خویش، برای زهر چشم گرفتن و جلوگیری از گسترش اعتراض و مبارزات شما به ترور خودخواهانه علیه زندانیان سیاسی متوسل شده و خواهد شد.

طی روزهای اخیر با ۷ تن از مبارزان راه صلح و آزادی، از کادرها و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران اعدام شدند. با نزنده تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق در مقابل چشم مردم در استان باختران به ادا ریخته شدند. حکم اعدام گروهی بسیاری از زندانیان سیاسی وابسته به سازمان های سیاسی مترقی موردا شمسید ایدار گاهای رژیم قرار گرفته و هر روزی سرور ایدار گذاشته می شود. رژیم خونخوار می خواهد شد تا دمانی شما به خاطر آتش بس را به عزای تازهای تبدیل کند.

با اعتراض و مبارزه متحد خود، علیه بی جنایات بی باق و انتقام گیری رژیم به پاخلیزیم. ا جا زنده بیدار خمینی و همدستان سفاک زندانیان سیاسی را قتل عام کنند. هم میهنان صلح دوست و آزادیخواه! حال که زمان آتش بس نزدیک شده است، مبارزه خود را برای خنثی کردن نقشه های سرکوبگرانه و انتقام جویانه رژیم علیه مخالفان جنگ و هم میهنان کسانیکه از کمک کردن به جنگ امتناع کرده اند، شدت دهید.

پیگیر همه افسران، درجهداران، سربازان و سپاهیان که به خاطر عدم تکلیف به سیاست همتا و فراموشی جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند پیگیر همه مسئولانی که به هر دلیل از خدمت سربازی ویسا

دمدنشان رژیم برای مردم، همتا را می بیند دل حکومت ایدار خسته که سراسیمه سرکوب و کشتار میاز زمین را به عنوان حربه مقابل بدبشر گرفته است. خمینی که قصدا شت بخش بزرگی از عراق را "فتح کند"، مجلس اعلاي آخوند سا خسته را در آنجا به حکومت برساند و به اصطلاح از طریق کربلا سراق قدس و بیحتمل تل آویز در آورد، اکنون چنان تودهنی خورده و ذلیل و قضا شده است که فقط به مردم جنگ و دندان نشان می دهد تا تگوتها را به ایدار سادوماکت نگاه دارد. خبرهای هولناک اخیر خمینی بر کشتار گروهی زندانیان و به خاطر سپردن شانه تبهنگار در گورهای جمعی و اراهه لیست های چندمدنفره از مبارزین به قتل رسیده، همه همه کاسی از انتقام جویی های این آخوند کفتارها است.

از سوی دیگر همه واقعت ها نشان می دهند که آتش بس تا دست یابی به صلح با ایدار به هیچ و خمی استیر از خطهای هولناک جدید علیه صلح و امنیت کشور، تبدیل آتش بس به چنان صلح با ایدار که نطفه های شش و جنگ را از زمین بردار و کشتور ما را از یک عالم جنگ به عالم صلح در منطقه تبدیل کند، در گرو تقویت فرا آینده نیروهای صلح است.

این واقعت ها ثابت می کنند که نبرد در راه تبدیل آتش بس به صلح با ایدار تا میهن آزادی کما که در این سرخو است های مردم و هم میهنان سازمان های مترقی قرار دارد. روشن است که مردم همواره خواهان چنان حقوق و شرایطی هستند که به شکل مسالمت آمیز بدون خونریزی، قدرت و اراهه خود را به کرسی بنشانند. اما رژیم جمهوری اسلامی هرگونه راهی برای اعمال اراهه آزادانه مردم از میان برده است. مردم بدون نبردی قاطع جهت سرنگونی این رژیم قرار نخواهند بود به خواست های صلح جویانه، از ایدارها و نه عدالت طلبانه خود دست یابند.

سازمان های سیاسی ترقیخواه با توجه جدی به تجارب تلخ راهی جنگ با ایدار نگری نویسن خط های گذشته را جبران کنند و در راه همکاری و اتحاد همه نیروهای مردمی برای تامین آزادی و صلح با ایدار سرنگونی رژیم ولایت فقیه بیا خیزند. ما تنها بیداریم که رژیم در شرایط تفرقه مردم را مورد هجوم قرار دهد و با ایدار ما را به جو خشمی ایدار بسیار بد. همه سازمان های ترقیخواه می توانند به عیان ببینند که شرایط پس از آتش بس نیز همچنان اتحاد دو همکار برای ایدار نزنده رژیم ولایت فقیه و تامین آزادی و صلح با ایدار را به عنوان مبرم ترین وظیفه جنبش مردمی پیش روی ما می گذارد. به اعتقاد ما، هرگونه کوتاهی در همکاری و اتحاد به خاطر هدف های فوق نتیجه ای جز تقویت ارتجاع حاکم نخواهد داشت. مردم بیا امیدواری و گسترش مبارزه خود، چشم انتظار رجائینتی برای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. بیا شید با اتحاد

میان مواضع دولت های سوریه و لیبی بسیار نادرست بوده است. به اعتقاد ما سیاست آیین دولت ها در قبال جنگ ایران و عراق با شکست فاحشی رو بر وجه که نزد مردم جبراً با ایدار سخوی آن باشند.

آتش بس در جنگ ایران و عراق، فصلی تازه در تاریخ سازمان ملل متحد است. شاد بیدار که کبوتر صلح اینگونه بر فراز سازمان ملل متحد به پرواز دریا مده با شکسته جریان تلاش برای قطع جنگ ایران و عراق، با ایدار به این سازمان و به شخص بزد و کوشیا، به بیاس نقش صلح فریبی که در این جنگ ایدار کردند، بیاس و شاد بیا ش گفت و ما ایرانیان با بد نخستین کسانی با شیم که این بیاس و شاد بیا ش را از میز دا ریم. رژیم خمینی به همان میزان که از صلح نفرت داشت، همچون دیگر نیروهای قاضیت و ما جرایب از این سازمان ابراز نفرت می کرد و می کوشید هرگونه کوشش صلح طلبانه آن را خنثی کند. با این همه تلاش مسئولان دبیرکل سازمان ملل متحد تا شیرنا فدی در پیشبرد آتش بس داشت. بدون شک نقش سازمان ملل در این آتش بس، فصلی تازه در تاریخ است. در طول تاریخ سازمان ملل، بسیار کوشیده شد که این سازمان در صفا در سطح یک نمادویک ارگن بی محتوا تنزل با ایدار با لکل مجرای دستورات و خواست های امپریالیسم امپریال گرید. اما بشریت ترقیخواه هیچگاه در ضرورت این سازمان شک نکرد. می توان گفت در دوده آخون ۲۵، ضرورت این سازمان و شرایط ایفی نقش هر چه بیشتر آن در سمت حفظ و گسترش همزیستی مسالمت آمیز میان کشورها و حل فصل بسیاری مسائل منطقه ای و جهانی به سرعت روبه تقویت داد. چشم انداز نوینی که دروا بط بین المللی پدیدار شده همه موزید همین امر است. در این میان فعالیت این سازمان در جریان جنگ ایران و عراق با رزترین نمودار این شیرنگاری مثبت است و از همین روموقیت این سازمان در اعلام آتش بس میان ایران و عراق را می توان در تاریخ سازمان ملل، یک نقطه عطف دیگر قلمداد کرد. مردم کشور ما با تجارب گران که به دست آورده اند به سیم خویش در جهت تقویت این سازمان و افزایش نقش آن قبل از همه در قبال امر صلح خواهند کوشید.

ضرورت تبدیل نبرد برای صلح و آزادی رژیم ارتجاعی بلافصله پس از نزن دادن به صلح دوست و مترقی کشور به راه انداخته است. نزدیک به یک میلیون کشته، میلیون ها آواره، چندین شهر و مدها روستا ویران شده، اقتصاد دورگشته، بیکاری، گرانی و آشکار شدن همه شادی ها و عوام فریبی های

#### ضرورت تبدیل نبرد برای صلح و آزادی

رژیم ارتجاعی بلافصله پس از نزن دادن به صلح دوست و مترقی کشور به راه انداخته است. نزدیک به یک میلیون کشته، میلیون ها آواره، چندین شهر و مدها روستا ویران شده، اقتصاد دورگشته، بیکاری، گرانی و آشکار شدن همه شادی ها و عوام فریبی های

رژیم ارتجاعی بلافصله پس از نزن دادن به صلح دوست و مترقی کشور به راه انداخته است. نزدیک به یک میلیون کشته، میلیون ها آواره، چندین شهر و مدها روستا ویران شده، اقتصاد دورگشته، بیکاری، گرانی و آشکار شدن همه شادی ها و عوام فریبی های

پس از گذشت بیش از ۹ سال از انقلاب بهمن و سپری شدن دودوره مجلس شورای اسلامی هنوز قانون علیرغم فتوای خمینی، بن بست قانونگذاری همچنان پابرجاست.

رژیم خمینی بعد از ۹ سال تحلیل و مقاومت در مقابل اعتراضات و خواست طیفه کارگرمینی بر دوین قانون کار مترقی سرانجام در آبان ماه ۶۶ قانون کار "جدید" را از تصویب مجلس دوم شورای اسلامی گذراند. این قانون با اینکه نسبت به قانون کار زمان شاه در بعضی از عرصه ها، دستاوردهای مبارزاتی کارگران را منعکس می کرد اما در اساسی ترین وجه، رد قانونی ضد مگر تیک و ارتجاعی بود. از جمله، قانون کار رموبه مجلس شورای اسلامی کارگران را از حق شکل مستقل منفی (سندیکا) و امنیت شغلی و حق اعتصاب محروم کرده است. اما حتی همین قانون کار نیز علیرغم همه خصویات ضد مگر تیک خود نتوانست رفا بست خاطر "فتویا"ی شورای نگهبان را اقرار هم کند. آنها با رد قانون کار "جدید" مصوبه مجلس، خواستار منته کردن هر چه بیشتر آن هستند.

آنها پس از شکست فضا حت با ر قانون کار صدر رسد اسلامي توكلي، می خواهند قانون کار اسلامی بعدی در حلال مهر و نشان شرع را بر خود داشته باشند. با شمولاً قلم همین اجاف و تبعیض، همین حق کشتی ها و بی قانونی های موجود همه آنچه را که رژیم خمینی طی ۹ سال به طیفه کارگر تحمیل کرده، به مثابه قانون حفظ و تثبیت شود.

در ۹ سال حیات جمهوری اسلامی، صدها هزار کارگر شغل خود را از دست دادند. شمار کثیری از آنها بدون پرداخت کوچکترین غرامت از کار اخراج شدند. مشکل های واقعی کارگران مورد بی توجهی و

اوباشان و جماعت بدستان سیا و کمیته ها و احزاب میسرانی که فرما می دادند، شما بندگان انقلابی را کارگران دستگیر و با زکا راجا شدند. هزاران کارگر به زور و اجبار به جبهه های جنگ بی هوده گسیل شدند و بسیاری از آنها جان خود را از دست دادند. دستمزدها تهافتها متناسب با تورم سرسام آور افزایش یافت بلکه قدرت خرید کارگران در جمهوری اسلامی سیر نزولی پیمود. حتی بسیاری زکارگران از امتیازاتی که در برتومبارزاتشان در زمان شاه از آنها برخوردار بودند، در جمهوری اسلامی محروم شدند. به طور خلاصه باید گفت که در جمهوری اسلامی.

### قانون کار اسلامی همچنان در بن بست

تاکنون به جای قانون کار، عدم امنیت شغلی، عدم امنیت جان و مال کارگران حکم بوده است. تداوم این وضع به طور قطع به نفع کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی است. لذا کارگران را جهت دوری از این وضع به صورتی که در وقت کشتی وارد اردو میسند و تصویب قانون کار به عنوان تاکتیکی در حمایت از کارفرمایان علیه کارگران به کار میگیرند.

شورای نگهبان همچنان به سیاست مقاومت نه تنها در برابر طیفه کارگر، بلکه در برابر دولت و مجلس شورای اسلامی تکیه می کند که مدافع یک قانون کار بورژوازی هستند، اما مدعی دهد. شورای نگهبان علیرغم فتوای خمینی و عقب نشینی بخشی از احزاب خمینی همچنان در دفاع بی تدبیر از منافع کلان سرمایه داران و تجار بزرگ و حمایت از شرع در برابر الزامات سرمایه داران ایران، سرسختی نشان می دهد. سرحدی زاده طی مصاحبه ای اظهار می داری

حیثیت از نزدیکان و آشنایان قربانیان کشتی شخصیت را، که علیرغم مصونیت رسمی تحت تضمینات و محرومیت های اجتماعی تا حدی زدا شد و تبعیض قرار گرفته بوده اند، نیز شامل روند می شود.

رئیس "کمیسیون ... همچنین تاکید کرد که این ارگان در نظر دارد پرونده "فعالین احزاب کمونیستی کشورها" دیگر گروها کمینترن را که به مقیم شوروی بودند، گرفتار سرنوشت مشابهی شدند، مورد بررسی قرار دهد. او گفت در نظر است این کار، که واسط دهه ۱۹۵۰ شروع شد، تا تمام ما ند، در ارتباط با احزاب مربوطه، پی گرفته شود.

روند جدید بررسی پرونده های سیاسی سالهای مذکور با اعلام تشکیل کمیسیون مربوطه در هفتاد و دو سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال گذشته شروع شد. میخائیل گورباچف در گزارش خود در آن تاریخ در برابر "تلاش های برای ورگردانی از مسائل درندگان" تاریخ حزب و کشور شوروی، تلاش های که می خواهد نمود کند گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است، گفت: "ما نمی توانیم به این امر موفق کنیم. این بی اعتنائی به حقیقت تاریخی و بی احترامی به خاطر گسائی است که به قربانیان کانون شکنی خود سری شده اند."

کنفرانس اخیر حزب کمونیست اتحاد شوروی (۸ تا ۱۱ تیرماه) نیز پشتوانه نیرومندی برای ادامه گسترش برخورداری این مسائل درندگان" ارائه داد. "حزب در آینده هرگز اجازه نخواهد دید که چیزی مشابه آنچه که دوره کیش شخصیت و دور هر کودتا شد آن بودند و موجب کج سائی در جامعه سوسیالیستی شد، رشد جامعه را به تحویق انداخت و قربانی های عظیم انسانی و فاجعه های روحی و فکری بی شماری به بار آورد، تکرار نشود" (از نقلها میسرانی کنفرانس ۱۹).

بیکردهما، فرمان، درجه داران، سربازان و سپاهیان که به خاطر عدم تمکین به سیاست ها و سرامین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند و پیگرد همه متولاتی که به هر دلیل از خدمت سربازی و سرفتن به جبهه ها و خدمت به جنگ سرباز زده شدند، باید فوراً متوقف گردد.

باید پیگرد ها و محدودیت های ایجاد شده برای خانواده های که به خاطر نجات جان فرزندان و جوانان خود از مصیبت جنگ، از وطن خویش آواره شده اند، فوراً و کاملاً قطع شود. هرگونه پیگرد اعمال رفتار محدودیت برای مهاجرین از وطن به خاطر جنگ جنتی بگاران، باید مدافعی گردد. بازگشت بدون پیگرد مهاجرین به وطن خویش و تامین امنیت کامل آنها تضمین شود.

### رفقا! این تراکت را همه جا پخش کنید!

سولومنتساف، متیاز کیفی کمیسیون کنونی را "رژیم بی نقش استالین به مثابه مقرر اصلی" عنوان کرد و گفت "گناه شخص استالین و نزدیک ترین اطرافیان وی در اجازه دادن به تضییقات و تبری قانونی های وسیع و اقصا و حشتناک است. او اعاده

کرد که تصویب نهائی قانون کار اسلامی با توجه به فتوای خمینی انجام میگردد. اینکه فتوای خمینی در عمل تا چه اندازه تبعیض شوری نگهبان را در منته کردن قانون کار رموبه مجلس کند، نامشخص است. سرانجام چه مختصاتی از تصویب نهائی بگذرد، برای کارگران ایران میساست، اما مهم است که آن این است که نه تنها خواست ارتجاعی شورای نگهبان، بلکه موازین ضد مگر تیک حاکم بر طبقه کارگر در مجلس این بوده و هست که بن مصوبه نمی توانند پذیرای آن باشند. تلاش وزارت کسار و دولت و نیز گردانندگان "خانه کارگر" پس از تصویب قانون کار در مجلس این بوده و هست که بن مصوبه را به عنوان یک دستاورد بزرگ به کارگران تحمیل کنند و شرايط به وجود آورنده کارگران با توجه به مواضع شورای نگهبان، به اصطلاح رژیم مرگ به تب رفا بت دهند.

نکته مهم دیگر اینکه، کاهش میان شوری نگهبان و مجلس، علیرغم فتوای خمینی ادامه می دهد و چشم انداز تصویب نهائی قانون کار جمهوری اسلامی پس از ۹ سال همچنان نا روشن است. و این امر برای کارگران این موبه ما به ویژه امروز یعنی در شرایطی که جنگ سیزده ماهه بیکی از علل اصلی دستاویزهای اصلی عدم تصویب قانون کار، قطع شده است، به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. کارگران مبارز در دین حال که به مبارزه خود علیه تشبثات مذسوحانه شورای نگهبان ادامه می دهند، مبارزه خود را جهت افشای قانون کار اسلامی موبه مجلس و برای تدوین یک قانون کار دمگراتیک و مترقی همچنان بی وقفه ادامه داده و پیش خواهد برد و هرگونه دفع الوقت در تصویب و اجرای آن را طعنه افشا خواهد کرد.

**بازسازی کشور...** بقیه از صفحه ۸ است. ترمیم این ویرانه های عظیم جز با بسیج همه امکانات انسانی میسر نیست، بسیج کلیات انسانی تنها از طریق تامین آزادی و حقوق سوت دمگراتیک مردمگان پذیراست. همگامند هزاران کارشناس و متخصص میهن پرست در زندانهای رژیم محبوسند. صدها هزار تن دیگر از جمله هزاران کارشناس و متخصص فنی به مهاجرت تحمیلی تسن داده اند.

سران رژیم از هم اکنون از "محکم بستن کمربندها" سخن میگویند و از حمتگان می خواهند که زندگی فلاکت باز رکنونی را با زهم تحمل کنند تا آنها بتوانند مناطق جنگ زده را بازسازی کنند. چنین توفعی ز مردمی که از هستی ساقط شده اند، بیباک تراجیح می شرمی آخوندهای حاکم است. اکثریت عظیم مردم میهن ما، اکنون سالهاست که کمربندها را تا حد امکان سفت کرده و به زندگی فلاکت باز در زیر کمربندها فدا شده اند. دانش و دیگرمیگرایی برای از دست دادن ندارند. فتویای حاکم ارتجاع به ما میسند منابع مالی برای سوزای میا ندیشند، بهتراست از فکر بریدن جیب خالی شده های مردم میسند. سوند و سوراخ میلیاردهای باز از سر بردن و از محس میلیاردها و میلیاردها ریالی که آنها از طریق کشف ترین بندوست ها با مقامات حکومتی، ایجاد یا از سایه و صدها حیل و ترفند در ذیلان دیگر به جنگ آورده اند، برای بازسازی ما تبیین اعتبار کنند. اگر قوی آخوندها دسته خود را نمی برد تا جر

تگر و ترمیم میلیاردها زار که "استوانه حکومت آخوندی است، در بی یکدم ما لیات قانونی خود را نیز نمی برد، مردم زحمتش به کد مدلیل با یاد زبان شب خود برای سوزای ما تبیین جنگ زده بگذرد؟ حکومتی که نوکر شما را رتگرات میسند و قسسه های عدالت خواهان زحمتمگان و قسسه نمیسند، در جریان بازسازی ما هیت ضد مردمی خود را برملا می سازد و بدینگونه است که میسازد در راه عدالت اجتماعی به مثابه جزئی از مبارزه علیه رژیم، در جریان بازسازی شما و می باید.

در دنیای پیچیده امروز، امر با زسیازی نمی توانند بدون اتخاذ یک سیاست خارجی روشن، صریح و مبتنی بر منافع ملی با موفقیت تریسند گردد. سران رژیم که با شلاق وقت خواری به پای میز مذاکره برده شدند، اکنون ناگزیرند از موضع ضعیف مطلق با قدرت های امپریالیستی تجدید رابطه بنده کنند.

ارتجاع حاکم بنا به ما هیت خود نخواهد توانست سوزای مناطق جنگی را بر اساس منافع ملی و مردمی منتحق سازد و بیگاری و فساد گسترده کنونی، حداقل در کوتاه مدت، با زهم افزایش خواهد یافت. نیروهای آگاه، ملی و مترقی، باید ترفندهای نظامی گرایانه رژیم و جنبه های استبداد آور قرا داده های بی بنهستی می شوند را افشا نمایند و با نشان دادن رابطه حکومت و تجار بزرگ با زار و بر ملا کردن غارتگری های که در جریان بازسازی سازمان داده می شود تا جیب آخوندها و عمالشان پر شود، با غارت زحمتمگان، به بهانه ناب زسیازی ما بله نما یسند.

### "قضاوت" در خدمت جنایت

جمهوری اسلامی چهار مرتبه با زدهم تیرماه گذشته بعنوان "هفته قضا" اعلام کرد و پیرامون قضاوت بی‌مسئولیت و دفاع از قوه قضا که در محرومین تضاعف و سرودای زیادی به راه انداخت. رژیم خمینی پس از انقلاب بهمن ۵۷، به بیستم قضا را با سیستم "اسلامی" بی‌حقوق و قضا در رژیم جمهوری اسلامی بر سر دفاع از اسلام خمینی گذاشته و در روحانیون و نهادهای ریزودرشت، دادگاهها و دادگاهها را تقبیه و نادرست مردم در کار قضاوت رسماً ممنوع شد. به ترتیب رژیم خمینی بر خلاف تبلیغات دروغین نه تنها قوه قضا را در مدعی نکرد، بلکه بیستی پیش آن را از دسترس مردم دور ساخت و بیستول آن خود جنایتکاران را شنیدل نمود. قانون اصلی رد، که کار قضاوت برپا بیاید، در صورت می‌گیرد، این "قضا" یا اقتضای موعوی کور و وحشیانه است. این قضا بی‌جزء عقب مانده ترین و جنایتکارانه ترین نین قضا می‌وجود در جهان است که به کیا گستر خولوزی و خوی حیوانی و ضد انسانی آخوندهای پیرایان می‌باشد. "قضا" و حوشی گری، جنایت بی‌مسئولیت را به صورت قانون در آورده و به دست بی‌حوشی حاکم بر کشور داده است. معنای واقعی این قضا را می‌توان از روی این سخن بیان شهری، وزیر سابق و اک خمینی پیرامون احکام به برای کسانی که به خاطر طریقه گذاری در قلم گیرنده بودند، شناخت. او گفت: "با پیدا شدن او، و گوی و گوش میهنیان را بریده و چشمان آن‌ها را از هدایت و روانی که حکم عداً ما جر کرده. (اطلاعات شهریور ۶۵).

بنام این قانون و با این روحیه بیمارگونه بیات بشمار این انجام شده می‌شود، انسا نهایی آری سنگسار می‌شوند، دست‌ها و پاها بی بسیاری می‌گردد، چشم‌ها بی بسیاری از حدقه بیرون آورده شود و پیکرها بی بسیاری شلاق و تازیانه می‌خورد. رژیم علی‌رغم این شیوه‌های وحشیانه نتوانسته کوچکترین امنیت قضائی را در جامعه تأمین ننهد. در سال ۶۴، ۲/۶ میلیون پرونده به دست دادگاههای جمهوری اسلامی آراج شد. این رقم ال افزایش می‌یابد. پیدا دادگاههای شروع بسیار مشغول کارند و به صدور احکام ضد بشری تازوهای می‌پردازند. مقتدا این حکومت‌گویی شورای قضائی هنگام راهکارنا مه‌سایه قضاوت جمهوری اسلامی در سال گذشته گفت که در سال ۶۴ و ۶۴ و ۶۴ نفر ضلوعا حکام "حدود و تنزیرات" اند. ۱۰۹۶ نفر ضلوعا خورده اند و تعدادی هم به اجرای حکم قضا و روح (سنگسار) ببوده (۲۵ اسفند ۶۵).

انگیزه قریب به اتفاق قریب‌ترین احکام دادگاههای شورای رژیم مردم‌عادی وزحمتکش بی‌لی‌هفت، رژیم اسلامی با گسترش بی‌کاری و بگرسنگی، با اشتهافرتنگ فاسد و شایع جنگ تریزی، با تحریک مردم علیه یکدیگر، زمینه‌های بی‌جرایم و بیزه‌کاری‌ها را فراهم آورد و با کمک بی‌هفتای خود، مردم عادی و فقیر زحمتکش و

گرسند قریب‌ترین این نظام را سرکوب می‌کند. محکومین در پیدا دادگاهها اکثر مستاجرینی هستند که می‌خواهند از خانه بیرونشان کنند، کارگرانی هستند که نخواهند استهانه حقوق خود را به آسانی از کف بدهند. دهقانانی هستند که خواسته‌اند زمینشان را از دست بردارن یا حفظ کنند. زنانی هستند که به برکت قوانین خانوادگی رژیم مجبور به طلاق شده‌اند و بی‌درایتی در اختیار گرفته‌اند و با لاجرم، اجوات نسبی فقر، به نجاتشان داده‌اند. و با لاجرم، اجوات نسبی هستند که به دلیل فشارهای رژیم نبود سرگرمی و تفریحات سالم و روح گسترده مواد مخدر، به دست دادگاه‌گران مرگ افتاده‌اند... شاکیمان در پیدا دادگاه‌های جمهوری اسلامی گردن کلفت‌های هستند که هرکدام چندین خانه دارند، سرمایه دارند، هستند که حقوق کارگران را خورده‌اند و بی‌زحمه طلبکارند، خانها می‌باشند که می‌خواهند دهقانان را زمین بیرون کنند. حاجی بازاری‌ها شکی هستند که اصول طلبشان به تنهایی افتاده است...

پیدا دادگاه‌های اسلامی به نام قوانین اسلام، همه جا به سود مالکین و سرمایه‌داران و ثروتمندان، دهقانان و کارگران و مردم زحمتکش را خانه خراب می‌کنند، غارت کرده و به زندان می‌افکنند. کار به جایی رسیده است که حتی موسیقی خوشینی، داده‌است کل کشور، در مصاحبه را دیوئی خود به مناسبت هفته قضا، به اعمال نفوذ خود و سرمایه‌داران را جیب‌بازی اعتراف کرده می‌گوید که گرا حیا با نینگز گذار و ثروتمند سرمایه‌داران را جیب‌بازی گردن کلفتی به عنوان متمم پیدا دادگاه به بیعت، آنگاه: "از گوشه و کنار تلخ‌نمایی قوه قضا، به یاری دادگاه‌ها، به یاری دادستان (سرازمیری شود) که این شخص چنین است، چنان است، آدم خوب و مندی نیست، آن قدر فشار می‌آورند که با لاجرم قاضی هم آدمی است، تحت تاثیر ممکن است قرار بگیرد" (خوشینی‌ها - رادیو جمهوری اسلامی - ۱۰ تیر ۶۷).

تا برابری و تبعیض جزء جدایی‌ناپذیر دستگاه قضا می‌باشد. بزرگترین تبعیض نسبت به مردم، ممنوعیت عملی و رسمی آخوندها از مجازات‌هایی است که در حق مردم عادی اجرا می‌شود. برای آخوندها دادگاه‌ها و بیزه‌رواج نیست درست کرده‌اند و اگر آنها به شیخ‌ترین و کثیف‌ترین سران شیخ‌پرست بزند، (چیزی که از یاد اتفاق می‌افتد) نهایتاً "خلع لباس" می‌شوند و با زنجیری به شکر دیگر "تبعیض می‌گردند. در صورتی که همان جرایم آزوری مردم عادی با وحشیانه ترین قضا و جنایت همراه است. البته دادگاه‌ها و بیزه‌رواج نیست آنگاه که وظیفه جاق یک باندر برای قلع و قمع باندر دیگر را عهده‌دار می‌شود بی‌هیکنی که به مناسبت و بی‌مسئولیت سرکوب اعتراضات روحانیون ترقی‌خواه به کسار گرفته می‌شود، به سعیت گرگان حاکم‌ها همانند سایر محاکم شرع به نامش می‌گذارد. این دادگاه‌ها در عین حال و سبب‌های است برای پنهان نگه داشتن فجایعی که با ندهای رقیب علیه یکدیگر مرتکب می‌شوند.

ماهیت جنایتکاران دستگاه قضا می‌باشد رژیم بیشتر از هر جا در مواججه آن با مخالفین سیاسی حکومت آنگار می‌شود. در این عرصه، وحشی‌گری و جنایت‌کاری پیدا می‌کند. "دادگاه‌های انقلابی" بدون اتکا به هیچ قانونی، بهترین فرزندان مردم یعنی زندانیان سیاسی را به زندان‌های

طول‌المدت محکومی کنند و به جوخه‌ای عداً م می‌سپارند. در پیدا دادگاههای شرع، دادستان و قاضی و خاکم شرع در جوخه‌ای آخوندها بیکنار خلاصه می‌شود. نه‌وکیل مدافعی، نه‌خبرنگاری و نه‌تاریخ‌نگاری. دادگاهها در عرض چند دقیقه حکام عوام متمم‌نظر ما در می‌کنند. همه مردم جنایت‌های اسلامی نظیر خلخال جنایتکار در کردستان و ترکمن صحرا و جنایت‌های نظیری شهری را در محاکمه‌زندان نیسان سیاسی به یاری دادارند.

سرازمیران رژیم جدا از مضمی شعاعا فریبنا نند، هرگز آزوری آنها را و قاع نشان نمی‌دهند که احکام پیدا دادگاه‌های رژیم چه‌سایه‌سایه‌سایه‌سایه در آن صورت معلوم می‌شود که دستگاه قضا می‌رژیم اسلامی تماماً علیه مردم عادی عمل می‌کنند و سبب‌های است برای سرکوب آخوها، کشیدن شیره جانشان و غارت آنها توسط مضمی آخوندها دولتی و سرمایه‌داران زدو محترک.

آنچه که با عت می‌شود دستگاه قضا می‌رژیم به یکی از عقب مانده ترین و جنایتکارانه ترین دستگاه‌های قضائی موجود در جهان تبدیل شده است. این است که رژیم جمهوری اسلامی قوه قضا را نیز مثل سایر نهادها و حکومتی مذهبی کرده و قوا نین شرع را به جای قوانین حقوقی امروزی نشانداده است. مردم جهان صدها سال پیش دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطی و سایر جنایت‌های را که به نام مذهب صورت گرفت، به چشم دیده و مبارزه برای جدا شدن دولت از جمله دستگاه قضا می‌رژیم را آغاز کردند و در انجام در مشا رکنشوری از کشورها موفق شدند این جدا شدنی را قانوئی و عملی کنند. مردم ایران نیز در این راه بی‌زاری طولانی و پرشمره داشته‌اند. "عدالتخانه" یکی از شعارهای مهم مردم در انقلاب مشروطه بود و مردم با این شعار استا ران بودند که عدالت را به دستبده حکام مپار شود، امنیت قضا می‌تایمین گردید و به ویژه دست‌آخوندها از قضاوت کوباه و قوانین عرفی و امروزی جایگزین قوانین قرون وسطائی شود، از رجوع حاکمیکه از دستاوردهای انقلاب مشروطه و هفتاد سال مبارزات مردم ایران نا بود کرد و با احیای مجدد سلطه آخوندی بر قوه قضا، به قوا نین قرون وسطائی را با ردیگر به سر بردار و در چشم‌بردین گوش و دست و سنگسار کردن در ملا عام است. این قوانین قابل "نوسازی" نیستند. تلاش برای "نوسازی" آنها، به یاری بحث بین "علمائ" انجام می‌دهد که با بیگان "سرمایه‌دان" است یا خیر و نتوانند با عت تمسخر و خشم مردم ترقی گردید.

مردم ایران قوه قضا که به یاری راهکوبها قضا و سلطه آخوندها قرا رگرگرفته با نفرت محکوم می‌کنند. خواست همه آنهاست آزادیخواه ایران این است که قانوق قضا می‌لغود و دادگاه‌های شرع برپا شود و به قضاوت آخوندها در سیستم حقوقی و قضائی کشور پایان داده شود. این کار می‌تواند سیستم قضا می‌را تا حدودی دموکراتیزه کند، اما دگرگونی واقعی آن به سود مردم تنها زمانی امکان پذیر است که مردم حکومت را خودشان به دست گیرند و قوا نین تدمین کنند که به نفع خودشان باشد و خودتیزا را کشنده و مدام فح آن باشد. □

روح بزرگش بود. پیمان او به همه همزمانش ساده و گویا بود: "از جانب من آسود خا طرفی نیست". دژخیمان آنگاه که از شکنجه‌های حیوان‌نمایی و وحشیانه‌ها ناامید شدند، حکمش را به قلم فرستادند. فرا مرزبروا زعفریت مرگ بر فرا سرش را نادیده گرفت و همانا شند توش و انوش‌ها، سنت‌اسرای بلا تکلیف را شکست و در کنار همزمان اسپرش در مبارزات دلورا نه‌زندانان مشا، کت جت. بعد از هر عصاب غذا، چشمان را در درشتن او، محجم تکیده و رنجور چهره‌ها را در خود کم کردند و زپین شیشه‌ها و دیوارها، با می‌مردی و دلآوری را پیمان دادند. و بدینگونه آخرین برگهای دفتر زندگی مردی دیگر از تبار با یک و حلاج و حیدر و آرنای، از تبار روزبه و بیژن و تاج و انوش و از تبار افشار تاشان و عاشقان زندگی رقم خورد.

فرا مرزاد در بیست و نهم تیرماه، پس از دو سال شکنجه و مقامت، به همراه جمعی دیگر از یاران و همزمان اسپرش کشتند. تا مه‌های سرشار از مهر و انسانیت فرا مرز، بی‌گمان از شترن و اسیران، نولکان زندگی مشترک او و همسر داغدارش، سرمشق نوع دوستی و عشق به انسان خوانند بود و با من اگر هرگز آغوش پدرش را حس نکرد، هم از این تا ماهن خواهد نشد پدرش را که زساله را در دامن بود، با زنتا ست. یادش گرامی باد.

**علیه اعدای جنایتکارانه و گروهی زندانیان سیاسی یباخیزیم!**

آنگاه در مدرسه، به فعالیت تشکیلاتی خستگی‌ناپذیر خود ادامه داد. بهشتکار، صمیمیت، دانش و بتکرار رفیق از چشم همزمانش پوشیده‌ماند و فراتر از مرز به زودی به عضویت کمیته شه‌آمل و شهید دهقان شد تشکیلات ما زندان در آمد. رفیق مسئولیت‌های جدید را با شایستگی بسیار بر دوش گرفت و خیلی زود به یکی از بهترین کارهای سازمان ایالتی تبدیل شد. ثروتنی انقلابی و انسا دوستی می‌نظیر فرا مرز، او را به شخصیت مورد اعتماد دانش‌آموزان و معلمان آمل تبدیل نمود و مرجعین حاکم، هراسان از علم و آگاهی و فعالیت افشارانه معلم‌ها و انقلابی و مبارز، رفیق فرا مرز را نیز به نامزد همزمان در علم از او وجهل ستیز دیگر از ادامه تدریس محروم کردند.

بعد از زیورشهای ارتجاعی رژیم در سال ۶۱ رفیق فرا مرز به زندگی مخفی روی آورد و در مسئولیت یکی از گروه‌های تشکیلات تهران، فصل تویستی از زندگی مبارزاتی خود را در موقعیت یک انقلابی حرفه‌ای آغاز کرد. چه رسال مبارزه و پیگیری شرایط استبداد و ترور و حاکم بر میهن، فولاد و چش را آبدیده کرد و روزی که فرا مرز به چنگ دژخیمان افتاد، دیگر گوهر پیدا خت‌های بود که با مردم با دیده میهن‌گانه گشته بود. فرا مرز که زده‌سایه‌سایه‌سایه‌سایه در اعماق جامعه غوطه‌خورده، ایستادگی و پایداری توده‌های به‌بند کشیده‌ها در تار و پودر و جوخه پیکارگر و انسانی خودیافته بود، از زمان آغاز مبارزات آینه‌ای شد تا تجلی گرمقا و مت مردم‌دیرا بر دیوان آدمی خواهد بود و بدینگونه درختان تریب فصل زندگی کوتاه، اما سرشار از انسانیت و افتخار او آغاز شد:

فرا مرز مقام و کرد آن سان که در خور

**م رفیق فرا مرز صوفی...** بقیه از صفحه اول نین قضا می‌تیزکاران حاکم، فرا مرز مرتکب می‌شود و مرگ نشده بود. پایداری در زندان و مت در مقام بل شکنجه‌گران، بزرگترین جرم مرز بود و این البته در درگاه مضمی آخوندها شد. لبت پیشه، شکست خورده و او اما نه کم‌جرمی نیست. آنگاه از سر مردم جرت خروج از بزرگ و با روی خود در زندان و هر قدر می‌گرمی دارند، لشکری از ول و قراول با بنزهای ضدگلوله همرا هیسان کنند، طبیعی است که پایداری و مقام و مسئولت بزرگترین جرم شما رند. آنها که دشمن انسانان انیت‌اند، ایستادگی - این خلعت والای انسان - البته که تحمل ندارند. خفاشان از نشنودن ساند و فقیهای در مانده‌ها کم از پایداری و اوست.

رفیق فرا مرز در گیلان متولد شد. در تهر ان میل کرده و در ایام تحصیل به مبارزه علیه رژیم شای روی آورد و به مفصلی از روشنفکران انقلابی در جنبش فدائیان پیوست. با یورش ساواک به ان همزمان به‌نا کزیر گوتوربا ترک حقت و به‌وستان رفت. در هندوستان ضمن ادا مه‌تحصیل و دانشنامه‌در رشته مهندسی کتا ورزی، به مبارزه رژیم‌شاه‌ها ادامه داد و در دبیرینا نگذاری و فعالیت لای گروه "فریاد" نقش موثری عهده‌دار شد. وزهای انقلاب به میهن بازگشت و دو ششاد دوش‌های میلیون‌ها در قیام جماسی بهمن مشا رکت . پس از انقلاب، رفیق فرا مرز مدتی در تهران از ماشدهی معلمان پیشگام مشا رکت داشت و به‌آمل رفت. دانش‌آموزان هنرستان کشاورزی، سیاسی مهربان و مصمم معلم دل‌سوز و انقلابی خود زیا دنبرده‌اند.

رفیق فرا مرز همزمان با افشاندن

به یاد رفیق رضی‌الدین تابان،  
ستاره تابناک مفاومت در  
سلسله آوین

### آینه تابان

چون آینه در آب روان  
چشمه جاننش

خندان  
چندان

که بر چشمه زلال یک موج  
فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج  
چون آینه

بی وا همه گویای خود است  
بی داعیه چون آینه

گویای همه  
\*

در آینه چشمه جاننش

جوشید

صدرنگ فریبای فلق

صدخورشید

شورید

شکوفید

بشعراورد آن

که لها م بگردند بر اورنجیران

در آینه چشم چراغانی او

می بارد

اشک سنگین و طنین

می سوزد

برسر "آتش فروخته از سوسن و یاس"

کفتر پر خسته و دل باخته آزادی

در آینه خشم خروشنده او

می خیزد

خشم سنگین و طنین

می سوزد

از آتش آفر وخته خلق به پا خاسته

بنیادستم

\*

چون آینه در آب روان

چشمه جاننش

خندان

چندان

که بر چشمه زلال یک موج

فرا می شکفتد شورش جاننش

در اوج

چون آینه

بی وا همه گویای خود است

بی داعیه چون آینه

گویای همه

### صمد: فرزند فروتن مردم

امروز اگر "صمد" زنده بود، قصه‌های دیگری می‌نوشت. قصه‌هایی که مضمونی برای "اولس‌دوزو کلاغا"، "۴۴ ساعت در خواب و بیداری" و "ماهی سیاه کوچولو" داشت. آوایی شک چنین می‌گردد، چرا که قلب او همیشه با نبض روزگار می‌تپید. زیرا که او همواره در گره‌گاه‌های اصلی نبرد خوب و بد سنگسار می‌بست و در این نقطه نیز نه تنها قلم می‌زد که قدم نیز بر می‌داشت، یا بهتر است بگوئیم: قلم در راستای قدم می‌زد.

صمد جزئی از یک جنبش بود. جنبشی که در سالهای دهه ۴۰ نضج یافت. دهه ۴۰ دهه فرم بورژوازی شاه، دهه نیرو گرفتن ساواک، دهه فشار کشته‌برنای آزادی‌خواهی و گسترش روحیه انفعالی در لایه وسیعی از روشنفکران و رشد عنصر فساد در میان بسیاری از محافل آنان - کیفیتی که فروغ فرخزاد این گونه تصویرش کرد:

"مداب‌های الککل  
بآن بخارهای گس مسموم  
انبوهی تحرک روشنفکران را  
به زرفنای تیره خویش کشیدند..."

اما انبوه‌های روشنفکران، گرچه شغل فراوانی داشت، طبیعتاً نمی‌توانست همه‌نگونه که رسم تاریخ است موج‌تند در خون اندیشه‌ها و میدرازیر سنگینی خود درگ‌ها بنماید. و چنین نیز نبود. بسیاری به دور از این فضا، گرچه سخت اما با عزم و مصامت به انباشتن توشه انقلابی مردم، آرزاه تحقیقی و تالیف و ترجمه و نوشتن، ادامه می‌دادند و مهم‌تر از آن، محافلی تازه از جوانان پرشور پا گرفته بود که بی‌وقفه و شایق برای برهم‌زدن نظم کهنه در تارکای پیوسته وجود بودند. این جوشی ضروری بود که زیر پوسته "جزیره آرامش" نضج پیدا می‌کرد و ریشه‌های خود را سفت‌تر در عمق زمین می‌نشاند و می‌رفت تا سرانجام در هیات جنبشی گسترده به پیشگاه می‌رازد. اما در چرخ‌های فدائی خلق ایران، پرچم خویش را به دست انقلابیون پرشور سراسر ایران بسیار. دهه ۴۰ دهه‌شدایی نوزاد مبارک بود.

صمد جزئی از این جنبش بود. روشنفکری که در مرز امروز فردا در جست‌وجوی امکان‌آینده‌ها بود تا همراهمان موج نیرومندی که در اندیشه بره‌هم زدن وضع موجود بود، راه‌ساختن دنیای نوین مردم میهنش را بیابد. صمد از پایه‌گذاران راه‌برندگان یکی از سه محفل بزرگی است که به نام "گروه دوم" تشکیل‌دهندگان سازمان، معروف شدند.

و همراهِ رفقای شهید بهروز دهقان، علی‌رضا نابدل و برخی یاران دیگر تلاش بی‌گرو و پرشور خود را سازمان دادند. آنان به مطلقاً تجربه‌گذشته و

حال پیدا ختنند و در تماس با دیگر محافل انقلابی، اندیشه خود پیرامون مبارزه مسلحانه را پرورداخت کردند و خطوط استراتژی و تاکتیک اولیه سازمان آینده‌را دریا فتند. همین طرح را "صمد" با استادی فراوان به‌زبان کودکان در آورد و در جلد "ماهی سیاه کوچولو" به‌دریای مردم، به‌سراسر ایران فرستاد.

روح و اندیشه نوجو و ضد ارتجاعی صمد در نوجوانی شکل گرفت و او را در موضع مقابل جهل و خرافات و زور و قهر داد. در زمان تحصیل در دانشسرای همین مضمون را با خود داشت. صمد که دشمن تحمیق فرهنگی بود و به‌ویژه آن رایگی از وسایل آدامه استبدادی دانست، با ارزش‌های تحمیلی مغرب و بی‌تناسب با ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران به مقابله ایستاد. او ما هیت این تحمیل را که به پراگماتیس "زندگی آمریکایی" و ایجاد روحیه "الکی خوشی در میان مردم ایران و به‌ویژه نوجوانان و جوانان بود، شناخت و برای مقابله با آن پاسداری از استمرار و تقویت فرهنگ مردمی میهنش را وظیفه‌ای بی‌بدیل می‌دانست. او در این راه همراهِ رفیق راهش، "بهروز دهقان" کنار آرزشمندی را در دیبا خوشی آغاز کردند. روزها و شب‌های بسیاری، بی‌خستگی و با اشتیاق، بسیاری صحبت کهنالان آذربایجان و نقالان و عاشق‌های آن سرزمین نشنند و آن‌چرا توانستند زینت تاریخ فرهنگ بوده‌ها برگزینند و به قدری را بی‌خویش نگاشتند و به‌جا سپردند. که به همان اندازه خدمت مهمی به فرهنگ ایران و آذربایجان است. به نظر صمد "فولکلور نشان دهنده و منعکس‌کننده احوال و افکار و آرزوهای طبقات محروم و پائین اجتماع است".

اما صمد فرهنگ هر قوم و ملت را نه یک محفظه بسته، جدا از بقیه‌ها، مونس، بلکه ارگانیک و بی‌شکسته مدام در حال مبادله با جهان پیرامون است. تاثیر و تاثری فعال که فضا من‌شد و بی‌لنگی ارگانیک است. تلاش وی برای شناساندن دستاوردهای علمی و فرهنگی ملل دیگر، مبارزه‌آنان در راه این دستاوردها، معرفی چهره‌های ارتقا بخش دانش و معنویت بشری که در کارهای اندک او به چشم می‌خورد، نگاه و وسعت نظراوست.

صمد چهره‌ای عمیقاً مردمی است. ارتباطی بی‌گسست و سرشته‌ای با توده محروم و زحمتکش، به‌ویژه محروم‌ترین بخش آن یعنی روستا نشینان تپه دست، به‌فقا فیت روح او را چنان اما لگیمی بخشیده بود که "درده بیشتر از تهران... از زندگیش لذت می‌برد" (۱) او برای این مردم محروم‌تر از همه، بیش از همه حق قایل بود. او از آنها یاد می‌گرفت و

می‌دانست که با دیده‌آنها بیشتر از بقیه‌ها دیدهد و او این مردم را دوست داشت. او از همین مردم بود صمد، معلمی را برگزیده بود. او موختن بی‌کودکان و نوجوانان و وظیفه‌جوانی برای او بود که هرگاه مدرسه‌آنها، اشتیاق وی به‌این‌کلاس آتشین ترمی‌کرد، او اعتقاد داشت که "فکرها مبتنی بر واقعیت و بنا بر این گویای حقیقت را با دیدرمدیان مردم، که بچه‌ها قسمتی از آنهاند" (۲) صمد شکوفائی آغاز شده خود، قصه‌های ارزنده و کم‌نظیر برای این گروه‌سنتی نوشت. قصه‌هایی که به‌ویژه از نظر مضمون در ادبیات ما بی‌سابقه بود. او در این قصه‌ها تفاهدای طبقاتی را به‌بچه‌ها، نوجوانان نیز به‌بزرگ‌ترهای طبقات و اقشار مستکش‌جا معب نشان می‌داد و لزوم مبارزه طبقاتی را برایش اثبات می‌کرد. درست به‌همین دلیل است که صمد و آموگاری صمد، شمار بسیاری دانش‌آموزان انقلاب ایران شد؛ "صمد معلم است / راه‌صمد راه است". وقتی صمد با درس رفت، هنوز مشهور نبود، اندکی پس از آن، از هنر نویسندگی ایرانی دیگر مشهور شد. نوشته‌هایش با شتاب عجیبی از شهر، به‌روستاها و به‌میان نوشته‌ها راه‌جست. زبان‌ها و مقصداً هم‌وقوانین روابط اساسی اجتماعی، به‌آنگاه که تشریح‌گرکی از مردم‌بیدل‌کاری‌که مدها مقابل‌به‌این‌سادی و سرعت به‌ویژه در آن‌شاید اختناق نمی‌توانست به‌تجا رساند. و این هم به‌یمن شکل مناسب‌سایکوتی به‌نیا زجا معبوس، همین نیا زگسترده بود که تلاش وسیع و هماهنگ را خود به‌خود، در همه‌جای ایران سازمان دادند. صمد در حافظه‌بویای حیات فکری مردم ما جایگاه ثابتی پیدا کرد. صمد یک نفر نبود، یک موج بود، نتایج انقلابی بود که نساواک و نه‌کل رژیم‌شاه مجسمل توان مقابل‌به‌آنها را نیافتند. ضرورت، راه‌خود با زگرده‌بود. جنس‌ال بعد، "شیک طبع"، شکنجک معروف ساواک، خشمگین و عاجز در برابر به‌یمن رزمنده‌ها سازمان، گفته‌بود: "تاما این آتش‌ها از صمد بلند شده، این فتنه‌ها را آن... برپا کرده، این رس‌دهش را نبسته‌بود، ما این‌جا مثل "بهروز" عملیات خردی می‌کردیم... (۳)

زیرنویس‌ها:  
۱- نشریه "آرش" (۱۸) - ویژه‌نامه صمد، ص ۵  
۲- نامه نسیم‌خاکسار  
۳- نشریه چنگلی‌بیل (۶۷) - ویژه‌نامه صمد - به‌رنگی، ص ۲۶

### جنبش مقاومت فلسطین : يك پیروزی دیگر

طی ماه گذشته دولت اردن با یک رشتگی تصمیماتی بی سابقه سیاست جدیدی را در رابطه با مسأله فلسطین اتخاذ نمود. دولت اردن ابتدا اعلام داشت که مجلس سنا آن کشور را که نیمی از اعضای آن به نمایندگی از جانب فلسطینیان ساکن در مناطقی اشغالی غرب اردن تعیین می شدند، منحل کرده است. سپس لغو تصمیم مربوط به سرمایه گذاری های ۱۲ میلییارد دلاری اردن در سرزمین های اشغالی اعلام گردید. تصمیمی که در در واقع با هدف گسترش نفوذ اردن در این مناطق و ایجاد لخترا تسبیور برای سازمان آزادیبخش فلسطین در میان فلسطینیان منطقه اشغالی اتخاذ شده بود و مورد مخالفت سازمان های فلسطینی قرار داشت. و سرانجام ملک حسین طی خطبی اظهار داشت که حکومت او تصمیم گرفته است تا همه روابط حقوقی و اداری خود با سرزمین های اشغالی غرب اردن را قطع کند و از جایگزین دولت مستقل فلسطینی در این منطقه توسط "سافا" پشتیبانی می نماید. ملک حسین گفت: "قطع رابطه با غرب اردن بنا به تمایل "سافا" و تصمیم جلاس اخیر سنا آن کشورهای عضو مع عرب در الجزایر که در آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین مورد تأیید قرار گرفت، اتخاذ شده است.

ساحل غربی رود اردن بخشی از سرزمین های فلسطین است که پس از جنگ سال ۱۹۴۸ اسرائیل علیه عرب که قسمت های عمده سرزمین های فلسطینی را به اشغال اسرائیل درآورد، ضمیمه شده بود. این منطقه پس از جنگ ۶ روزه عرب و اسرائیل در سال ۱۹۴۷ به اشغال اسرائیل درآمد و اکنون بخش مهمی از سرزمین های اشغالی فلسطینیان را تشکیل می دهد و نزدیک به بیست میلیون نفر فلسطینی در آن سکونت دارند. پس از اشغال غرب اردن توسط صهیونیست ها، حدود ۱/۵ میلیون نفر از فلسطینیان ساکن در این مناطق به اردن مهاجرت کردند و در جزایر سرزمین های اشغالی غرب اردن سکونت گزیدند. آنها همگی تابعیت اردن را پذیرفتند و در زمره شهروندان آن کشور درآمدند. توده های فلسطینیان واردنی ها سال ها است برادرانه و متحدانه رهبرندگی می کنند و با یکدیگر در آمیخته اند. هر چند رژیم اردن برای فلسطینیان ساکن در آن سرزمین، محدودیت های قانونی ایجاد کرده است، اما این امر و تلاش های تفرقه جوینان حکومت آن کشور، بر این نزدیکی و اشتراک مساعی دو طبق فلسطینی و اردنی تأثیر جدی نداشته است. ارتباط بیمن فلسطینیان ساکن اردن و مناطق اشغالی آسیای بسیار نزدیک است.

زندگی نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر فلسطینی در کشور اردن که کل جمعیت آن از ۳ میلیون نفر تجاوز نمی کند، وجود حاسات برادرانه بین این طبقه، شرایط ایجاد کرده است که مسأله فلسطینی و طرق و شیوه های حل آن، تأثیرات مهمی بر وضعیت سیاسی و اجتماعی اقتصاد آنجا معاد اردن برجای می گذارد. به همین دلیل است که حکام اردن در باره مسأله فلسطینی بسیار حساس و اندوختن کرده اند. در این باره راه حل های را تعقیب کنند که قبل از همه به موقعیت حکومت آنها لطمه ای نخورد. طبیعی است که حکومت اردن از جایگزین دولت مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی نمی تواند بگذرد. زیرا چنین حکومتی بر مبارزه خلق اردن علیه رژیم حاکم و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی تأثیر خواهد داشت و بر زبان دستگا سلطنتی اردن تمام خواهد شد. علاوه بر این رژیم اردن از گذشته تا به امروز تلاش کرده است تا فلسطینیان را تحت قیمومت خود درآورد و بر مسائل و خواست های فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی و فلسطینیان ساکن اردن، تأثیر تعیین کننده داشته باشد. این عوامل زمینه ساز تمایل و پافشاری رژیم اردن به طرح های آمریکائی و حمایت ملک حسین از طرح های جان فدرا سیون اردنی - فلسطینی بوده است. همچنین اصول اربعی ملک حسین مبنی بر این که یک هیات فلسطینی اردنی تنها نماینده و سخنگوی فلسطینیان باشد، از این امر چشمه می گرفت.

اما تغییر و تحولاتی که طی سال گذشته در منطقه غربی و رومیا نه و به خصوص در رابطه با مسأله فلسطین به وقوع پیوسته است، رژیم اردن را مجبور کرده در مواضع قبلی خود تجدید نظر کند. این امر قبل از هر چیزی از رشد و اعتدالی مبارزه مردم فلسطین علیه صهیونیست ها است. مبارزه ای که با آغاز و تمامیت فلسطینیان ساکن سرزمین های اشغالی وارد مرحله کیفیتا نویینی شده است. تصمیم حکومت اردن به قطع رابطه حقوقی و اداری خود با مناطق اشغالی غرب اردن و دست برداشتن ملک حسین از فکر ایجاد فدرا سیون اردنی - فلسطینی، همچنین حمایت تلویحی او از تشکیل دولت مستقل فلسطینی به رهبری "سافا" در مناطق اشغالی غرب اردن و نوار غزه، گام مثبتی است

### کتاب استقبال توام با احتیاط سازمان آزادیبخش فلسطین

در پی این تصمیم، "سافا" اعلام داشت که سدر مذاکره با حکومت اردن جوان گوناگون ساله مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین طی اجلاس سالانه تشکیل دولت در سرزمین فلسطین را مورد بررسی قرار داد. و طرحی را در این باره تهیه کرده است که با سدر مورد بررسی و تصویب شورای ملی فلسطین قرار گیرد. تصمیمی که در باره جگونگی واکنش و اقدام "سافا" در احراز مسئولیت خود در مورد سرزمین های اشغالی، به جلاس نوزدهم شورای ملی فلسطین که قرار است در آینده نزدیک برگزار شود، واگذار شده است. گذشته از این که حکومت اردن تحت چه شرایطی و با توجه به کدام ملاحظات معین چنین تصمیمی را اتخاذ کرده است، این امر یک پیروزی بسزراک برای جنبش مقاومت فلسطین به شمار می آید. اعلام قطع ارتباط حقوقی و اداری اردن با سرزمین های اشغالی غرب اردن در هر چند مشکلات حقوقی و اداری فلسطینیان ساکن در این مناطق را افزایش خواهد داد و سازمان آزادیبخش فلسطین را با مشکلات جدیدی در این عرصه ها مواجه خواهد کرد. ولی زمینه های لازم برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی به رهبری "سافا" در سرزمین های اشغالی را بیش از هر زمان فراهم کرده است.

### افغانستان و ویرانگری ضد انقلاب

فدا انقلاب افغانستان طی ماه گذشته نیمی همچنان به سیاست رعب مردم در بنطاق مختلف آن کشور ادامه داد. آنجا موک با ران شهرها، انجمن ریب و ترور انان های بیگنا را با تبلیغات دیوانه وار و روایات دروغ به تصمیم آمیخته اند تا در دل مردم افغانستان که چشم بر راه صلح و آرامش هستند، وحشت و یاس بکار بند. بر تری ۱۷۰ موک در طول یک هفته به نقاط مختلف شهر کابل و کشتا و قریب ۲۰۰ انسان در مدت کوتاهی کشته شد. خیابان های کابل، نمودارین تلاش ها است. سبل ورود اسلحه از خاک پاکستان به بنطاق زیر سلطه نیروهای ضد انقلاب و انواع کمک های پاکستان و آمریکا به این نیروها همچنان ادامه دارد. پاکستان عملا کوچکترین حرکتی در راه اجرای قرارداد اذنی انجام نداده است. کارشنک های پاکستان در اجرای قرارداد اذنی و نگرانی های پیشینا ای آمریکا صورت می گیرد، جشم انداز و اوضاع را نگران کننده کرده است. و این در حالی است که افغانستان را اتحاد شوروی با بیبندی به قرارداد اذنی و اجرای توافق نامه همه تلاش خود را به کار گرفته است. خروج قوای شوروی طبق تعهدات قرارداد ادامه دارد. تاکنون بیوش از نیمی از این نیروها به اتحاد شوروی عودت داده شده اند.

فدا انقلاب همه نیروی خود را به کار رانداخته است تا یکی دو شهر بزرگ را به تصرف درآورد و آن را مرکز "حکومت" آینده خود اعلام کند و طی دو ماه اخیر در برخی موارد موفق به تصرف برخی مناطق و شهرها برای مدت کوتاهی هم شده است. ولی دولت افغانستان تاکنون توانسته است این نیروها را در دستهای از شهرها، از جمله قندهار به عقب سب براند.

واقعیات نشان می دهد که فدا انقلاب مسلح قادر نیست آنچنان که مدعی است نقشه های خود را در پیش ببرد. جنگ روانی و تبلیغاتی که فدا انقلاب در داخل افغانستان و روستا های جمعیت امپریالیستی در خارج به راه انداخته است قدرت نظامی نیروهای مخالف دولت را بیش از آن چکه به نظر جلوس می دهد و سدا و اول خود سب توهم نیروهای ضد انقلاب و افزایش نگرانی مس مردم افغانستان شده است. اجرای اقدامات توافق نامه نوزدهم و پیشرفت گام به گام پرونده محاملی همچنان در تنه راه حل مسائل مربوط به افغانستان است.

### چشم انداز صلح در جنوب غربی آفریقا

در ماه گذشته در باره بحث های کشورهای آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا، اعلامیه مشترکی در باره حل و فصل مسائل جنوب غربی آفریقا انتشار یافت.

در پی چهار دور مذاکره که بین نمایندگان این کشورها صورت گرفت، طرفیای مذکور در باره یک سلسله اقدامات به منظور اعطای استقلال به نامیبیا بر اساس قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد به توافق رسیدند. بر اثر توافق فوق چشم انداز زیر قراری صلح در این منطقه گشوده شده است و راه حل منطقه ای برای تأمین امنیت در آنگولا استقلال نامیبیا به دست آمده است. زیرا اولاد دولت های آفریقای جنوبی و کوبا نیروهای خود را از خاک آنگولا راج خواهند ساخت و زمینه برای پایان یک جنگ طولانی داخلی

که از همان سال های اول انقلاب آنگولا گریبا نکیر مردم این کشور بود، فراموشی شود. در ثانی شرایط برای بهرادر آمدن قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت در مورد نامیبیا مبنی بر استقلال این سرزمین که تاکنون به سه عینا نامیکه گام اصلی و پشت جبهه برای تجا و زعلیه آنگولاموردا ستفاده قرار می گرفت، مهیا می شود. در نتیجه استقلال نامیبیا به رسمیت شناخته خواهد شد. برهبری سوا بودر جنبش استقلال نامیبیا از جانب مراجع بین المللی رسما پذیرفته شده است.

حصول توافق های فوق بیروزی بزرگی برای مردم این منطقه قاره آفریقا و مالا سراسر قاره خواهد بود. زیرا با زگردادن صلح به این کانون منقشه و درگیری منطقه ای در خدمت تأمین صلح و امنیت سراسر آفریقا است. علاوه بر این راه گشودن نامیبیا و ترقی جامعه آنگولا که این سال ها تحت تأثیر منفی جنگ داخلی قرار داشت، گشوده می شود و همه انرژی و توان انقلابی مردم این سرزمین صرفا ز رسانی جامعه و تحقق آرمان های عدالت خواهد نهاد انقلاب آنگولایا همدسوا استقلال سرزمین نامیبیا و مردم آن به یکی از پدیده های شوم یا تفرقه بیستم با بیان خواهد داد و مردم نامیبیا حاکم بر سر نوشت خودخواهندند.

### در اجلاس "حراره"

جندی بیش در حراره، با بیخت زمینا به، اجلاس کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تعهد در سطح وزیران تشکیل گردید. این دیدار که نخستین اجلاس از این نوع بود، حاکی از توجه فزاینده کشورهای شرکت کننده به مسائل اقتصادی است.

تشدید روابط اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای به اصطلاح جهان سوم مسایل اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده است. بدهی خارجی این کشورها به یک تریلیون - هزار میلیارد دلار افزایش یافته و به برای طاقت فرسا برای آنها تبدیل شده است. آهنگ رشد تولید ناخالص ملی این کشورها به ۱/۱ درصد رسد. رسیده که این رقم با توجه به رشد بالای زاد و ولد منجر به کاهش سطح زندگی توده های مردم گردیده است. سهم کشورهای در حال رشد از مجموع درآمد جهان یک پنجم است در حالی که این کشورها به چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند.

علل و اسباب و اوضاع اقتصادی کشورهای در حال رشد در سال گذشته را در جزایر مورد بررسی قرار گرفت و بر خصالت غیر عادلانه مناسبات بازرگانی - اقتصادی میان کشورهای به اصطلاح "شمال و جنوب" به عنوان ریشه اصلی این وضعیت تأکید شد.

در اثر افت قیمت مواد خام طی سال های ۱۹۸۱-۸۶ "جهان سوم" معادل ۹۳ میلییارد دلار از دست داد. در چنین شرایطی کاملا طبیعی است که این کشورها خواستار مناسبات عادلانه و استقرار نظام نوین اقتصادی باشند. اما آنجا که این خواست در آینده ای نسبتا دور قابل حصول است، لذا کمیته دایمی همکاری های اقتصادی جنبش عدم تعهد یک رشته پیشنهادی عملی، منجمله موارد زیر را مطرح نموده است: لغو مانع گمرکی تصمیمات مربوط به حمایت از صنایع داخلی، ایجاد صندوق ویژه جهت تشبیه قیمت مواد خام، برگزای کفنازی بین المللی برای حل مسأله بدهی ها، گسترش کمک های مالی به کشورهای فقیر تر...

کمیته به مرخلع سلاح به عنوان یک مهم ترین و عینی ترین اهرم های تسریع رشد اقتصادی توجه زیادی نشان داد و ضمن حمایت از تلاش های اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا برای کاهش تنشات بین المللی و کاهش زرادخانه های هسته ای، همه را به شرکت در این تلاش دعوت کرد.

علیرغم ضعف های جنبش عدم تعهد، تنش و تعویق ایدئولوژیک، سمت گیری های سیاسی و مدل های رشدی که برگزیده شده است، نمی توان گرایش به پیوستگی، اتخاذ تصمیمات مشترک در رابطه با مسائل پیوسته و اقدامات عملی فزاینده را نادیده گرفت. اجلاس جزایر بدون تردید در بر خورد مشترک با مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی راه های رفع آن، نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

**به برنامه های**  
**رادیو زحمتکشان ایران**  
**گوش فراد دهید**

### بازسازی کشور، نیاز بزرگ ملی

با استقرار رسمی آتش بس و پدیدار شدن چشماندا صلح میان رژیم‌های حاکم بر ایران و عراق، مسئله بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ به یکی از اساسی‌ترین مسائل میهن مانند تبدیل می شود.

ایمان دویرانی کشور، عظیم و باورنکردنی است. چندین شهر، حدها، روستا، دهها هزار واحد تولیدی کوچک و بزرگ، با لایشگاه عظیم آبادان، بنسار در و تاسیسات بندری و بسیاری از تاسیسات استخراج نفت و خطوط لوله ویران شده اند. در خوشبختانه ترین آثارها، خسارت‌های ناشی از ویرانی کشور، بالاتر از ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود. و این همه تنها بخشی از ویرانی عظیمی است که جنگ طلبی مردم مرتجع و عظمت طلب همه را آورده است. بیست و نهم میلیون نفر آواره جنگی، بیست و پنج میلیون بیکار، دهها هزار معلول جنگی و اقتصاد دورگشته بخش دیگری از این ویرانی‌ها است.

رژیم فقها تا روزی که توانست به جنگ تپیکار راه اندازد مدت‌ها زمانی به آتش بس تن درداد که در نتیجه فراموشی ما شین جنگی و مقاومت مردم و موعودهای از عوامل ملی و بین المللی، دیگر کار برد ما به جنگ نبود. با فشاری جنون آمیز رژیم بر ما به جنگ با دیگران عقیقت را با وضوح تمام اثبات نمود که برای سران عظمت طلب رژیم ولایت فقیه، منافع توده‌های مردم میهن ما پیش از ارزش ندارد و آنها همه چیز کشور را در راه تحقق اهداف پلید ارتجاعی خویش ویرانی و تداوم حیات تنگنای خود قربانی می کنند. ما به هیئت خدمت‌مردی رژیم فقها بسا پذیرش آتش بس تغییر نکرده است و بازسازی کشور در شرایط سلطه چندین رژیم امروزی نیست که بدون مبارزه شدید قابل تصور باشد. اکنون مبارزه بر سر سمت گیری‌های اساسی بازسازی، عمرگونی تازمانی از پیکار علیه رژیم جعلی و جنایت خمینی است. نظامی گری، انزوا به تاسیسات، استفاده از عمیق فضاها و وحشیانه بر توده‌های زحمتکش، بسا دویسند و بسبب تاراج ارتجاعی ترین مفاصل امپریالیستی از جمله خصوصیات رژیم ولایت فقیه است که در ایران بازسازی نیز بسا شکل گوناگون و از جمله سده در تعیین اولویت‌ها و تخصیص اعتبارات و تاسیسات منافع ملی و بین المللی، خود را نشان خواهد داد. فقهایی حاکم که عدم تجویز کفایتی بسا و ارتش به تسلیحات مدرن را یکی از دلایل ناکامی خود در تداوم جنگ می دانند، بدون تردید تجهیزات نیروهای مسلح و ویژه بسا به سلاح‌های جدید و گران قیمت را در درازن برنا مه‌های خود قرار می دهند و در شرایطی که همه "تمهیدات" آنها برای "خودکفایی" در زمینه تسلیحات ناکام مانده است، به کمپانی‌های امپریالیستی سازنده جنگ افزارهای مسدود روی می آورند. این کمپانی‌ها از هم اکنون خود را بسا برای دریافت سفارش‌های تازه و عقد قراردادها با کلان آما ده کرده اند. روزگاری که ما فرانسوی لوموند، ضمن تاکید بر این حقیقت ننگ آور که فرانسویان سه ساله ای جنگ پیش از ۴۰ درصد تولیدات نظامی خود را به عراق فروخته و تنها از قبیل این سوداگری جنون آمیز کم ۱۰ میلیارد دلار درآمد داشته، بسا یادآوری می شود که انحصار این نظامی فرانسوی منظور مقابله با بحران احتمالی در صنایع نظامی، بسا نیازهایی تسلیحاتی ایران چشم‌دوخته اند.

احساسات مشابهی هم اکنون در میان همسوداگران مرگ مشاهده می شود. تشریفات وابسته به انحصارات نظامی ضمن بررسی حساب سود و زیان کمپانی‌ها در جنگ هشت ساله و اظهار تاسف برای انحصارات تولیدکننده و مهاجرت و پناهگاه، به خاطر زدن پرسودترین بازار سال‌های اخیر خود، بسا تولیدکنندگان تا تک، هوا پیمایان و سایر سلاح‌های سنگین و پیشرفته، رونق روزهای آینده را که عمدتاً محصول سفارشات ایران خواهد بود، وعده می دهند. تخمینی اعتبارات کلان برای تجهیز ضربتی بسا و ارتش، آدامه‌سایات، جنگ، جنگ تاپیروزی در شرایط نوین است. و این در شرایطی که خطر فلاکت‌ناپذیر کشور شده است، جز تداوم و خیانته بسا منافع ملی و میهنی چیز دیگری نیست. میهن ما به نظامی گری نیازی ندارد. اندک اندک سیاست مسلح جویا و بسبب همگان تاسیسات و معنوی کشور برای بازسازی ویرانی‌ها، بیگانه‌ها را مقابله بسا خطر فلاکت است. و در این راه تبدیل مجدد تولیدات رخا نجاتی که در خدمت تولید جنگ افزار قرار گرفته اند، به خطوط اولیه تولید، بازسازی سریع صنایع منهدم شده و فراهم کردن امکانات اشتغال و بازگشت میلیون‌ها آواره جنگی به شهروندی، خود، با پدید آمدن برنا همه‌ها قرار گیرد. بسا آرگانی که هشت سال در شرایط در بدی در بیخوله‌ها، رنجگی طاقت فرسا تحمل کرده اند، با پیدما عدت شود تا

### سیاست ارباب محکوم به شکست است

رژیم خمینی با به راه انداختن موج تازمانی از ارباب و ترور و کوشش به خشم و نفرت مردم لگام زدن و اظهار مدح و تحسین اعتراضی توده‌های جلوگیری کند. فرجام تنگت با سیاست‌ها به جنگ، جهش‌گیری ارتجاعی، خبیانتکار و مردم‌کش رژیم خمینی را بیش از پیش آشکارا ساخت. تخریب‌ها جعبه‌ها و جنگ و فرجام بیوک سیاست‌ها به جنگ خمینی، سرچشمه‌های تازمانی از بصیرت و آگاهی را به روی مردم گشوده است.

استفاده از حربه‌های فریب و تیرنگ و بهره‌گیری با لوسانه‌ها معتقدات و احساسات مذهبی و میهن‌دوستانه مردم دیگر نمی‌تواند بسا گذشته برای رژیم نتایج موثری داشته باشد. با تاسیسات عتبات و موازات جنگ در برده‌ها و فریب خمینی آتش انداخته، تا آنجا که بازمانده‌های این آتش، چشم توده‌های میلیونی را برای دیدن حقایق و اذهان آنان را برای شناخت ماهیت فریبکار و فرودمردمی رژیم ولایت فقیه روشن‌تری خاص می‌بخشیده است. رژیم خمینی در هر اسازمانده‌های جلوگیری از تکمیل گیری و برآمدن جنبش اعتراضی مردم، برای آنکه اوضاع کشور را درمی‌خورد تا حدی که به گسترش موج ارباب‌تروریسم منتهی شده است.

در آخرین ماه‌های سال گذشته، زمانی که ناگزیری شکست فضاخت با رژیم خمینی در جنگ قطعی می یافت، موج جدید ارباب و ترور، زنده‌های جمهوری اسلامی را فرا گرفت. هنوز سال به پایان نرسیده بود که حکام اعدام ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی مادرشور را از زندانیان جهت اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی انتقال یافتند. رژیم در پنجم خرداد در فریق انوشیروان لطفی را به جوخا عدا سپرد و همزمان از اعدام دومبار زنده‌های زمان معاهدین و اتحادیه‌ها کمونیست‌ها خبر داد. در تیرماه رژیم خمینی فریق فرامرزوفی از کارهای برجسته‌ها را، بر فضا سعید اذرتک کار در برجسته‌های و کمیونیزشناس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و نیز تندی چند از اعضای سازمان معاهدین خلق ایران را به جوخا عدا سپرد. با شکست فضاخت با رژیم خمینی در جنگ که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد بسا معادله‌گردید، ارباب و ترور از حمارهای بلندنندان که هشتاد و خصلت اجتماعی نمایان تری پیدا کرد. رژیم خمینی با بهره‌گیری از بهانه‌های گریزی‌های نظامی معاهدین در مرزهای غربی کشور، کارزار گسترده‌ای را علیه مبارزان راه صلح و آزادی و بیروزی مردم در مقیاس سراسر کشور به راه انداخته و بسا بسبب کلیه امکانات امنیتی و قوای سرکوبگر خود جهت پیگردنا را خیانت از جنگ، از جبهه‌گریختگان، مشمولین فراری و همسره کسانیکه علیه استبداد و اختناق، تباهی و ویرانی و فلاکت جمعی رژیم خمینی زبانه‌ها عتراضی گشوده‌های گشا یند، تمهیدات گسترده‌ای فراهم آورد. اکنون در آدامه همین روند، اردبیلی، مسئول شورای عالی قضائی رژیم قصد حکومت برای اعدام بسا معاهدین و گروهی زندانیان سیاسی را اعلام کرده است. بر آنچه که بالاترین مقام رسمی قضائی رژیم خمینی بر زبان رانده است، جز درمورد جواز رسمی کشتار مبارزان و انقلابیون کشور، بسا مدیکسری نمی‌توان نهاد. بالاکرتن موج ارباب و ترور

در زندانیان و جیموری اسلامی در این رابطه است. تاسیسات نیست که رژیم خمینا اولین، قتل‌عام و کورده‌شدن برای اینها ننگه‌ها شدن جنا یا تشنه از جلویگیری از درازا خبار مرید و بسا به زندانیان سیاسی از ۲۹ تیرماه بمدت ۲ ماه ملاقات زندانیان بسا خویشان و بستگان آنان را ممنوع کرده است. زندانیان سیاسی در اعتراض به بی‌قانونی، خودسری، ضرب و شتم و جنایات جلادان خمینی، بسا اعتصاب زده اند. بیست دیوارهای بلندنندان نهایی رژیم خمینی، بهترین فرزندان خلق، تنه‌ها بسا دلیل‌های صلح و آزادی و بیروزی رژیم، سرچشمه‌های کرده‌های می‌شوند. آخرین خبرها حاکی از آن است که ۳۵ تن دیگر از رهبران و کارکنان رژیم در زندان‌ها ایران به منظره‌ها و اجرای احکام اعدام به سلول‌های انفرادی بسا شده اند. جان فدائیان، معاهدین و دیگر مبارزان در بند در خطر جدی قرار داد.

سیر رویدادها در سه ماهه اخیر از بسا کمیته مرکزی سازمان مارادایر بر این نکته عدا فریق انوشیروان لطفی همراه با دومبار زنده‌های این اوضاع مشخصاً یک تصمیم‌گیری است که قبل از همه رژیم رژیم از آینده‌نشان می‌گیرد، بسا به بیعت رساند. رویدادها همچنین بر امانت و ماهیت مردمی و انقلابی فراخوان‌های کمیته مرکزی ما در دفاع متحد زندانیان سیاسی کشور، مهرتاسیسات و مبارز می‌گذارد. فراخوان‌های که رژیم خمینی بسا و آزادیخواه کشور طلب می‌کند، "نگذاریم رژیم درخفا بهترین فرزندان خلق ما را نیست و تا بسا کند، بسا بشاید دفاع از زندانیان سیاسی ایران با هر عقیده و فکری که هست، دست یکدیگر را بفرستیم." سیاست ارباب و ترور رژیم محکوم به شکست است. اما اگر همه نیروهای مبارز و آزادیخواه کشور متحد شوند، می‌توان روز شکست رژیم را نزدیک و نزدیکتر کرد. ماسا شب بزرگ و پرشمارای زندگی مردم را به رنج و درد آکنده است. زندانیان سیاسی نیز در درد و رنجند. برای بیان دادن به این ماسا شب، دردها و رنج‌ها، برای اینکه روزها دگامی هر چه زودتر فرارند متحد شویم!

### شهادت رفیق انوشیروان ابراهیمی

تا مه مردم، ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که رفیق انوشیروان ابراهیمی، دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجرایی وقت حزب توده ایران، به دست جلادان رژیم تپیکار خمینی به شهادت رسیده است.

رفیق انوشیروان ابراهیمی که از بسا تاسیسات حزب، به عضویت آن درآمد، بسا زندگی بر بار مبارزاتش، شرکت در جنبش خلق آذربایجان، تلاش بی وقفه در مبارزات و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر در اسانهای پس از انقلاب بسا، نقش ارزنده‌ای در حیات حزب و جنبش انقلابی میهن ما داشت.

رفیق ابراهیمی در اردیبهشت سال ۶۲، هنگام بیورش سراسری به حزب توده ایران دستگیر شد. در اطلاعیه هیئت سیاسی حزب توده ایران آمده است: " اردیبهشت سال گذشته‌های هراستانک جسمی و روحی با قلبی آکنده از عشق به خلق و جزیش سرانجام به عنوان یک توده‌های معتقد و مومن با قامت استوار بسا استقبال شهادت رفت."

ما شهادت رفیق ابراهیمی را به خا نواده‌اش و همه رفقای توده‌ای تسلیت می‌گوییم

**با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.**

آدرس  
حساب بانکی  
AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER

بتوانند خا نه و سرپناه خود را از نو بسازند، ایجا د اشتغال برای این هم میهنان ستم‌دیده ز طریق احیای صنایع آسیب دیده، ایجا دگار خا نجات جدید و اتخاذ تدابیر امنیتی دیگر، امری نیست که بتوان آن را به تاسیسات خود اختصاص داد.

تخریب اقدامات نهادهای وابسته به رژیم از جمله جاسازندگی و تپیکارهای رنگارنگ رخا د و مستضعفین و... نشان می‌دهد که رژیم کما فضا ن و جلا ن ضد علم توان بهره‌جویی از تخریب‌های تپیکار و ریزی علمی را در توده‌های کار بست تحسین و موفق کشورهای همانندمان، ژاپن و اتحاد شوروی، به تاسیسات گدا خا نه‌های تازمانه‌ها دانسته‌های جدید برای دزدان فاسدی که سراسر دستگا و دولت را انباشته‌اند، دست می‌زنند. با پیدما هم اکنون نسبت به اینگونه اقدامات رژیم، بسا هشاری بر خود نمود

# پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!